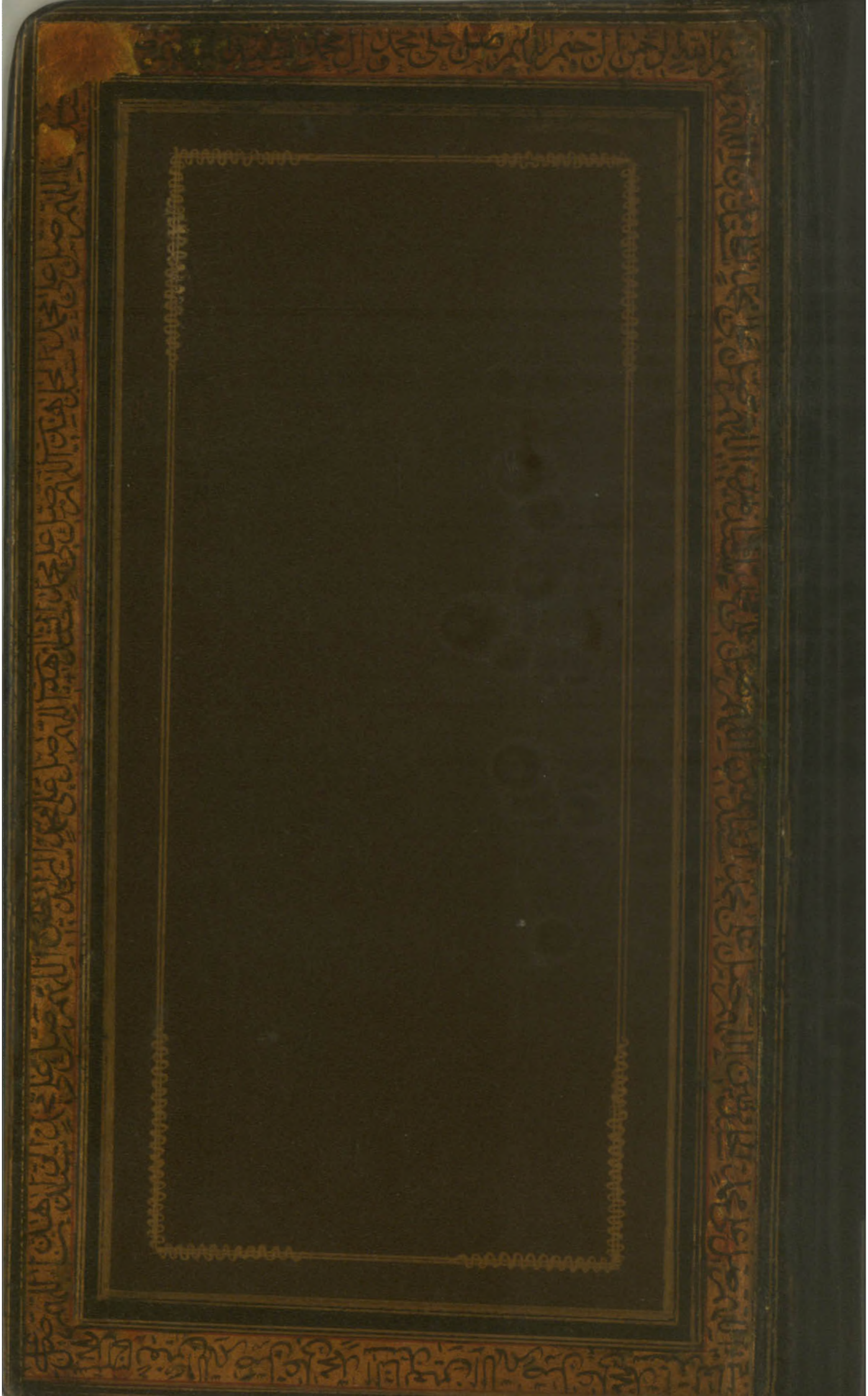

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

جمهوری اسلامی ایران

کتاب منهاج العارفین و معراج العابدین

مؤلف سید محسن عسگری سمنانی

مترجم

شمارهٔ ثبت کتاب ۲۱۰۰۰۱

شمارهٔ قفسه ۱۸۸۳۶

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

خطی

۱۸۸۳۶

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب منهاج العارفین و معراج العابدین
مؤلف سید محسن عسگری سمنانی
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۸۸۳۶
شماره ثبت کتاب
۲۱۰۰۰۱
خطی
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۱۸۸۳۶

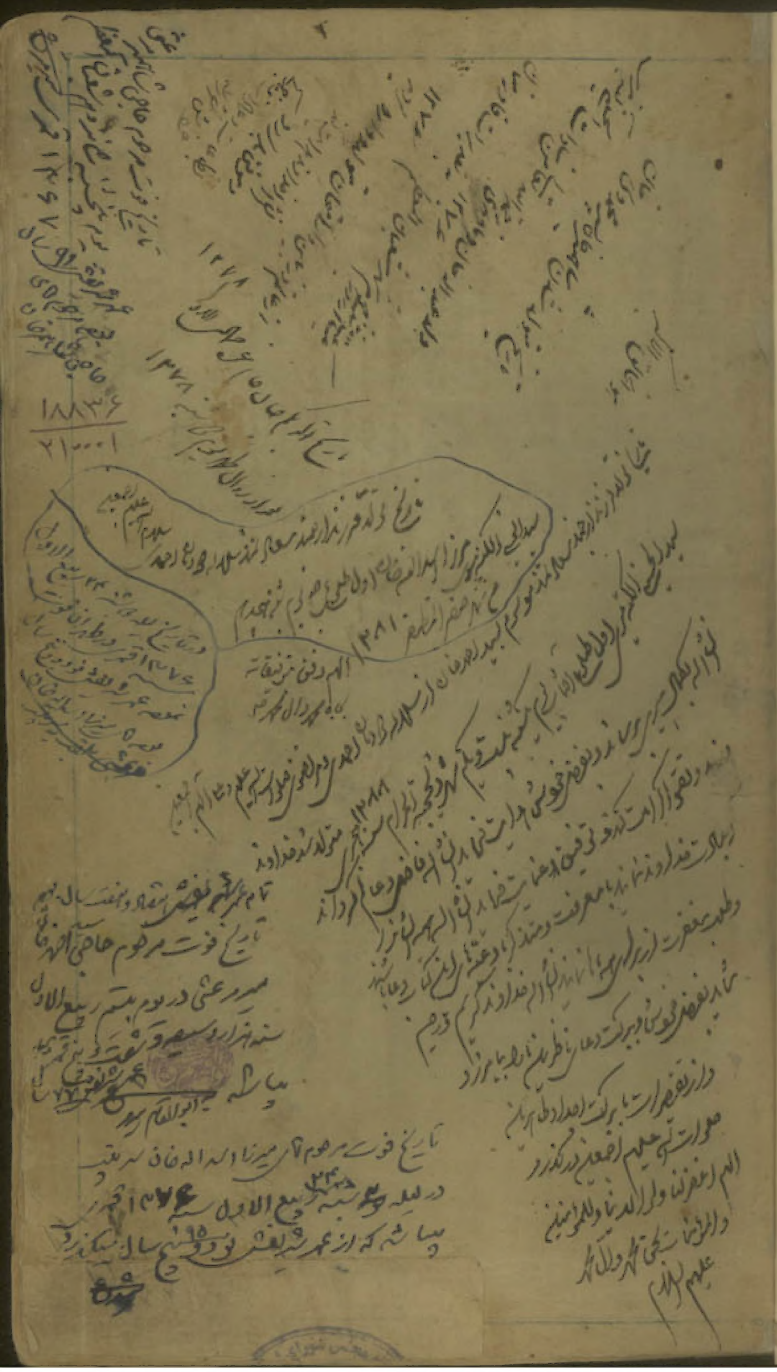

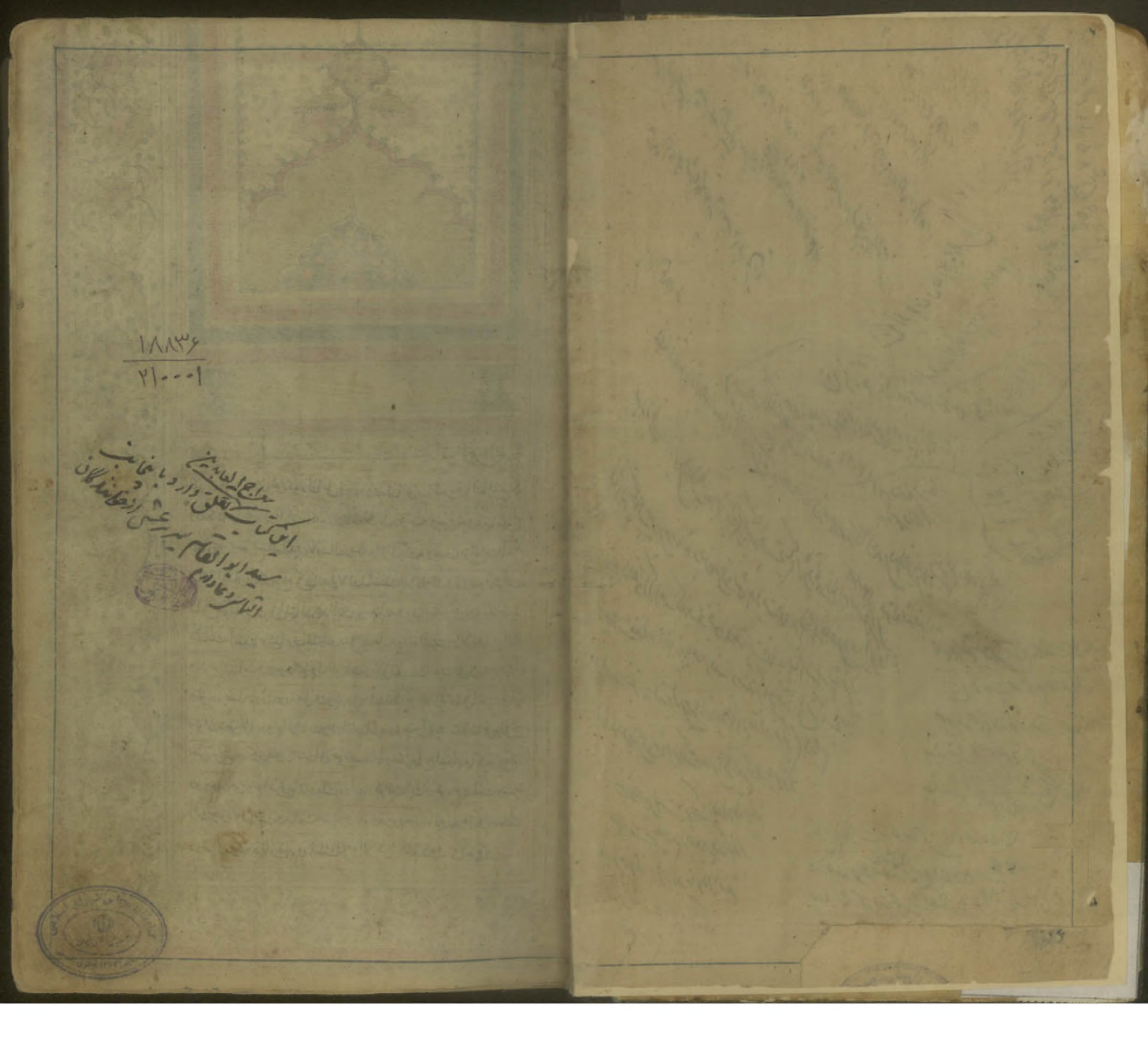

۱۸۸۳۶
۲۱۰۰۰۱

معراج العابدین
این کتاب تعلق دارد باینجانب
سید ابوالقاسم میر عرش از خوانندگان
التماس دعا دارم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي خلقنا لوجوده وجود لنا على وجوده وفتح لنا ابوابا لمعرفته بالنظر الى ملكه
وملكوته وارشدنا لاياب العبودية بالتفكر في ربوبيته وسيرورته وعرفنا مناهج
العارفين ومعراج العابدين باوسال رسله وانزال كتبه وجعلنا من اشرف
وخاتم النبيين الذي وقع في غيابه لولاك لما خلقت الافلاك وتواضع لكرامته
ساق القمر ومن في التماك محمد الذي يوسيلته وعدنا الله على خرق الجنات و
شفاعته انقذنا من شفا جرف الهلكات صلى الله عليه واله الذين بهم الانعم رفع الكلف
وندفع البليات وبوجودهم تنزل البركات وتشمل الحسنات الذين كفى في وجوب محبتهم
وثبوت فضلهم نزول سورة هل اتى وانه قل لا اسئلكم اجرا الا المودة في القربى صلوة
متوالية متواترة بدوام الاثبات والتاءات اما بعد چنين گويد بنده خاطي جاني عاصي
حسن بن محمد عسكري الحسيني الحنفي عفى الله عنهما وعفر جماعة اجدادهما كه چون رحمت
در وجود بني نوع انسان وعلت در ايجاد طوايف ايشان نبود حرفت ومعرفت
ذات معبود واطاعت وعبادت حضرت ودود وفرمود حضرت ذو الجلال والاكرام
در فرقان كريم وفرقان عظيم وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون اى ليعرفون ولهذا

نمود خداوند ودود در كتاب مبين ان الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين پس
متحقق شد كه خلقت وايجاد اناسي دانستن وشناختن ذات بيچون وصفات وعزبوقيت وبندگي
ذات جليل بايد در ايشان ثابت بعبادت معبود كوشند وبغايت مسكنت بابن عبوديت
پوشند ودر وقت قيام بعبادت بين يدي دنيا قالبي را از ظلم خود حرز شند ودر بيت بيشه ودر محبت الهي
جوشند تا معارف ربوبي ظاهر گردد وبا انبياء واولياء ملاقي حاصل باشد وعلت غائي موجود
شود وچنان خداوند وخالق يكتا وموجود وازلي بي همتا بواسطه انبياء واوصياء كيفيت بندگي
ودعا را بان كم كشتگان بادية ضلالت وفرد شدگان ماديه جهالت تعليم فرمود ومحبت را بر بندگان
تمام نمود له الملك من يشاء وينزع الملك ممن يشاء عن يشاء ويحيي من يشاء بيده الخير انه على كل شيء قدير
تا ساز بي انداز ما وفرش نيرنگ نو بر بالاي كرسي كوناه بيت غلام شريعت كه نام شريفش
ملت ائمه عليهم السلام دارد بنا نهاد نمود كتب وآثار ومصنفاتي شمار در ذكر ادعيه وزيارات
وكيفيت طاعات وعبادات تاليف وتصنيف نموده اند وبرانچه مطلع گرديده اند واز ائمه هدى
بايشان رسيده در تاليفها وتصنيفها خود نوشته اند لكن چون اكثر از انكتب بالفاظ عربيه
شده فارسي زبان را از مطالعه انها بهره واز تفرج صفحات انها خوشدلي وكشي كه
بالفاظ فارسي نوشته شده كتابي كه جامع همه ادعيه ايام وليالي وشهور وسنه
متضمن بر ذكر اداب سنن وفرايض هر دو ركعت مهمه وادعيه اوقات واسقام وادويه
انها باشد تاليف نكرده بلكه متفرق نوشته شده لهذا اين بنده حاجي از اناس علم ومعرفت
خالي را بخاطر رسيد كه باعداد استعداد وقابليت وباكثرت مشاغل ومحنت هر كدام
خدا خواهد توفيق كرامت فرمايد ورساله مرتب دهد كه جامع مسايل مهمه وحاوي
ادعيه مانوره از ائمه عليهم السلام باشد تا طالبان عبادت وراغبان طاعت از انها منتفع
گردند واز مطالعه انها مستفيض شوند اميد بكرم شامل وفضل كامل دعا ايشان خالق ورازق بندگان
را عفو وبخشيدن خطاي اين بنده وروسياه وراندة درگاه گشتن وتوفيق بندگي واظهار مسكنت
عطا فرمايد بحق الحق والحق المطلق وچون اتمام اين كتاب واختتام اين عجاله باشاره بندگان
سكندر شاه وسلاله رحيد گرديد وبپيرو شريعت ائمه اطهار ذرخشنده اختر برج سعادت
وبختياري ومرزبان كوهر درج سلطنت وكامكاري خديو زاده سلطان ثمانية وقهرمان
ناصر خاقان دوران شهزاده اورانگ ملك ودين شمروج ملك خاتم النبيين ناظر ايالت منصف

شاملین وسلامتیات در پنج باب باب اول در بیان اربعة اوجاع واسقام است باب دوم در بیان اربعة در رکنه است باب سیم در آنچه جایز وواجب واکل آن باب چهارم در بیان اربعة دفع اعدا است باب پنجم در بیان اربعة امن از هر وجع وشاملین وسلامتیات مقصد پنجم در بیان اربعة دفع حاسودان وجنوانات گزنده وکبرنده ودفع هموم وآفات زلزلة وباغات واربعة امر از جنوانات در چهار باب باب اول در بیان اربعة دفع جانوران گزنده است باب دوم در بیان اربعة دفع جنوانات بکرنده آباب سیم در ذکر اربعة آفات دنیا وباغات باب چهارم در آنچه اربعة امر از جنوانات مفسده دیگر در بیان اربعة دنیت واربعة وباو طاعون وقحط وزلزله است باب سیم در آنچه اربعة چشم زخم ودفع آفاکی شریران وکبرنان وکرکودکان است باب پنجم در آنچه اربعة دفع احلام ودفع انوات در خواب است باب ششم در آنچه اربعة حفظ آبات واجبادات مقصد یازدهم در بیان احکام اموات واعتکاف وکفارات وذکوة وخمس وفیه اربعة ابواب باب اول در بیان احکام اموات است باب دوم در بیان اعتکاف است باب سیم در ذکر کفارات است باب چهارم در بیان اربعة در ذکوة است باب پنجم در بیان اربعة حج است مقصد دوازدهم در بیان اربعة ابواب اکل وشرب لباس وانکحه وشانه زدن وانجه نکاح کردن واداب نکاح طلب اولاد وحمام ورونده وخضاب وسرمه کشیدن وسترا شیدن وشادب کردن وناخن چیدن وختنه کردن ومحامت کردن وسترا شیدن وناخن چیدن وسرمه کشیدن وشادب کردن وختنه ومحامت کردن

باب ششم در آنچه احکام ولادت واداب آن است وفیه اربعة ابواب واربعة سفرات خاتمه در بیان اربعة متفرقه وختم در ذکر کلیات که اذا ذکر اربعة این رساله جمع کرده شد فقد الحمد والمنة مقصد اول در بیان اجمالی از مسایل مذکوره در بیان اصول دین ومقدمة است وبیان اینشود باین مطلب در پنج باب باب اول در بیان وجود وصفات ومراد از توحید اثبات نبودن بسیار کان خدا وند واجب الوجود که قدیم وازلی ودایم وابدی وحی قادر وعالم است وبرین صفات جمیع ذات وصفات مرجمیع مقدورات را ومعلوم عالم امر جمیع معلومات را بجمله که مقدور ذات مقدس حق است ومساوی نیست قدرش مستلزم نفی متقابلان مقدورات چون جهت وعرضیت وضدیت ومثلیت ودوئیت بسیر ودوده حوادث وحلول واتحاد وانحصار بمکان یا بجهت یا زمان ومزاج والذت والم وفرح وحزن که همه اینها از اوصاف ومنقوات وعموم قدرتش مقتضی نفی شریکات وثبوت کلام وامر ونهی ومنزه بودن از صفات نقص وجامع صفات کمال واز مقتضی علم ذاتی اوست ثبوت علم بجمیع کلیات وجزئیات ثابت ازلی اوست ودران که علم بجمیع اشخاص خاصتران دون جزاح که مقتضیات حدوثات پر بجهت وصفا وبجمیع وبسیر وبخواهنها وبدین جهات که کرده مبعوث بعث الله چنانکه عادت در اوست مبعوث فلانت بدالله ودلیل مرثبوت این صفات برای او اینست که ممکن بیت صدور از انتفال محکمه منتفیه سکر از کسی که او حی الذات وواحد فی الصفات باشد ومبدء فعل جمیع کاملان باشد زانست چنین کسی توانای قادر مختار وملک جبار که قاهرات او عالم از معرفت کنه جبروت او وکوناهی افهام از ادراک حقیقت ملکوت او وثابات اکثر این صفات بمرجع آبات وحوادث روایات وبدانکه بعد از اثبات وجود واجب الوجود وثبوت علم او از دلیل عقل کاملات در اثبات باقی اصول از طریق نقل ومجرد در اثبات قدم الوجود ومعرفت صفات بعد فصل وجوب نظر کردن در آثار ودر تفکر نمودن در اختلاف

لیل و نهار و ملاحظه نمودن عجایب مخلوقات در ارض و سموات از نباتات و
جمیع انواع حیوانات و غیرانها که بدیدن که در تغیرات انها و تقلب احوال انها بوضوح
واضحست بر حدوث انها و احتیاجش بوی صانع موجود واجب الوجود در ذات
و نعوت از موجودات و بدانکه دانستن نوعیه از اصول دین و اسلام است و منکران
کافر و مخلد در جهنم است و مجتهدین دانستن انکه خدا جسم کالاجسام نیست
پس از اصول دینست و منکران کافر و خارج از دین اند و لکن اعتقاد باین نمودن که
صفات ذاتیه خدا عین ذات اوست و زاید بر ذات او نیست که مراد از نفی انست
از اصول مذهب است و منکر این داخل مذهب اثنا عشری نیست و همینطور چند مسئله
اسلام بروجه دینست و لکن در آخرت در صورت تقصیر در جهنم مخلد نیست باین دو امر
دینا عدلست و از اصول ایمان است و معنی عدل انست که بر خداوند عالم ظلم روا نیست
و از ظلم و شر و قبیح عزیز و معزاست و کلیات برای اثبات عدل بنی نوع او از ظلم
و اتصاف او بجمیع صفات کمال و منزه بودن از جمیع خصال و خوی مذمت فرموده
ظلم و اهل ظلم را امر فرموده بافعال مرتبه و نهی نموده از اخلاق رذیله و ملکه
ایشان هر گاه بنحو با ثبات ظلم بروی رو باشد و بوئی بقول انبیاء نباشد و اعتماد
بر طاعات و عبادات ایشان نموده و تفاوت بین سخنان و مخلوقات نخواهد
و اعتقاد کردن باین معنی از عدل که مقابل ظلم است از اصول دین و اسلام است و منکر
این از دین بیرون و کافر و مخلد در جهنم است و در صورت تقصیر در جهنم مخلد نیست و لکن
اعتقاد نمودن بانکه جمیع افعال خدا معلل بغرضات و فایده از عباد بیندکه
در دنیا یا در آخرت از اصول مذهب است و مجتهدین اعتقاد کردن بانکه جمیع افعال خدا متوقف
بلطفات از اصول مذهب است و مجتهدین اعتقاد کردن بانکه جمیع افعال خدا بروجه اصلح
بحال بندگانست از کمال اصول مذهب است و اعتقاد نمودن بانکه خداوند عالم جمیع
بندگان را ایجاد نموده و ایشان را قادر و مختار در افعال اختیاریه و جبر در افعال

ایشان نفرموده و مجتهدین اعتقاد نمودن بانکه بندگان در افعال خود مستقل نباشند
باین معنی که خداوند عالم افعال ایشان را مفوض بایشان نموده باشد و در افعال خود
مستقل باشند و بخدا نبوده در امور محتاج نباشند از اصول مذهب است و منکر این
خارج از مذهب است و در صورت تقصیر مخلد در جهنم است **باب سیم** در اثبات نبوت و از
اصول اسلام است و لازمست بر همه امت که بدانند بر سول که خدا بسوی ما
فرستاده و اما عترت را بر طریقه مکلفین واجب کرده اند و واسطه بین ما و بین خدای
در تبلیغ احکام و خدا او را پاک کرده اند از جمیع معاصی و او حضرت محمد بن عبد الله بن
عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن کلاب بن مرة بن کعب بن لوی بن غالب
ابن فهر بن مالک بن نضر بن کنانه بن خزیمة بن مدرکة بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن
ابن عدنان و مادر شان آمنه بنت وهب است و کافه امت در اثبات این مطلب ادعا نموده و
بحق خالق بندگان و در همه دهر و زمانها الی یوم القیامة اخلافا عن سلف منقطع گردیده و بحق خدا بر خلق
تمام باشد و عقل ما کم ان بحر بیدار انتشار زبان عجمی و انفراد او و بنا الحضرت ظاهر
شد برای ما بحجج غیر از پیغمبر ما و کما بنکه بعد از عیسی و او صیا او ادعا نبوت و بحجت نمودند
خدا ایشان را رسوا ساخت و سحر انها بر خلق ظاهر شد و امر شان فاسد گردید مگر شیعه
الحضرت که در روز بروز در روشنی او در تزاید و معجزات او ظاهرات و در دوره ما شیوع
و بر کابنکه در زمانها بعد از نبی میباشد لازمست که ضد نبی را بعناد نتواند نمایند
الا کلیتا ما لا بطال نبوت نخواهد بود و هر گاه ضد نبی را بعناد نتواند برحالا دنمیشود هر اشخص
انتهای ایشان سلف که بعد از زمانها ایشان بوده اند ثابت بنبوت پیغمبران خود افراد اشته اند
و چگونه میشود که بر ما نبوت انبیا سلف جهت معجزات که از ایشان صادر شده بالتواتر
متواتره ثابت گردیده و نبوت پیغمبر ما ثابت نباشد بالنکه معجزات الحضرت ظهور شان بیشتر
و زمان صدور شان ما نزدیکتر و عدد معجزات شق و انوار چون شق قمر و سایر انداختن ابرهه
بحرف امی مدینه و بیان و تنبیه سایر ده و تکلم مرده کان و بهایم و انجماد بعضی از

انبیا و کافیست قرآن در اثبات اعجاز غیر در همهٔ ازمنه و اخبرت معارضه فرموده قوله تعالی
فلیأتوا بحدیث مثله و ما جوشد ندا ز اثبات آیه مثل قرآن مبا آمر اوی کرده تکذیب اخبرت
داشته و با اخبرت مقابله بجهوف مبعوث شده اند که باین حروف معارضه نمایند
و باید دانست که اعتقاد نمودن باینکه پیغمبر ما خاتم پیغمبران است از اصول دینست و منکر این
کافرست و لیکن منکرین صدور اعجاز از اخبرت نیز کافرند و در جهنم مخلدند و اعتقاد
بعصمت اخبرت و معصوم بودن او نیز هر چند از اصول مذهب است لکن بانشیر منکر
این در جهنم مخلد نیست بلکه در دنیا از امامت و از اصول دین و ایمان است و بر مکلف
لازمست که اعتقاد کند با امامت ائمهٔ اثنا عشر و بعصمت ایشان و وجوب اطاعت ایشان
و کافیست در اثبات این مطلب حکم عقل با نکه واجبست بر خدا لطف کردن بر بندگان
بوجوهی که در اثبات این قاعده مقرر شده و هدایت کردن ایشان را براه حق و از راه باطل برگردانیدن
و ناقض معصوم باشد تا خود نلغزد و نلغزاند و بسبب کار از اعتماد بر حرف او توانند کرد
باید شخص ظاهر باشد در هر زمان تا امام و نواهی او را در دنیا از ایشان ظاهر کند و بر
متشابهات قرآن نیاید مگر آنکه از شوک ظاهر بزند چنانکه اینها نیز مخفی میشدند
و چگونه محمل کرد او خدا و ندجهان بندگان را و در میان ایشان کارد نادر هر عصر
باشد و با آنکه برای اعضا و جوارح بدن دشمن و مدبر قرار داده که نلغزد بدن و جوارح
نماید و از ضلالت و فترت امت اخبر که منصب وصی نباشد برای امت نادر مثل هر عصر برای
نشود و تبلیغ حتوق نکرده چگونه میشود که منصب وصی برای امت نکند تا نلغزد بر امر ایشان
کند و امور ایشان مختل نکرده چگونه میشود که پیغمبر خدا در جزئیات امور دخالت کند و
در چنین امری عظیمی ترک دخالت نماید و ادله نقلی بر اثبات این معنا بسیارست
آیات و اخبار متواتر فی شمارست و از جمله آیات قوله تعالی و کونوا مع الصادقین و
قوله انما ولیکم الله و رسوله و الذین امنوا که باجماع مفسرین مراد از صادقین و
و الذین امنوا علی بن ابیطالب و مختار آنکه علی بن ابیطالب تنها امامت از برای خود و

اولاد خود نبود و خدا و راصادق فرمود و فرمود که نوامع الصادقین نیز واجبات
بودن بطریق اخبرت و در آیهٔ تا بیغمبر بود انما ولیکم الله و رسوله و الذین امنوا
معلوم است که ولایت در این آیه بمعنی اولی بتصرفست که امامت باشد و افعال باخدا و رسول
دلالت دارد را بمعنی با کلمهٔ حصر و انما و از آیات ظاهرست که امامت نبیاشد در غیر
معصوم چون آیهٔ و انی لغفار لمن تاب و آمن که غیر معصوم البته از ظلم سالم نخواهد
بود و مراد بحمد در آیات امامت و از جمله آیات قوله تعالی افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع
امن لا یهدی الا ان یهدی ابن عباس گفته در خبر است که در آن صلح باشد الا آنکه علی و
اهلبیت او صلوات الله علیهم معصوم اند یعنی آن مدح اخبرت اما از اخبار دلالت ندارند
بر امامت ائمهٔ اثنا عشر لا بعینه لا بحسب و این بسا لکفایش ذکر اخبار ندارد هر که خواهد
در کتب اخبار نظر کند تا داند که در اثبات حجیت امامت اهلبیت ظاهرند بحدی اخبار و متواتر
و اردست و اخبرت باید بعد او نمایند چنانکه خطبان اخبرت بر بحمد در این عهد
خدا و رسول تصدیق او نموده اند و او را ستوده اند و اخبار در محاسن احوال و
اخلاق و علوم اخبرت و معجزات و اخبار بغیب و حمل مکارم اخلاق او نیز حد تواتر
قلیل نیست و لا اما حتی شجاعت اخبرت مشهور و نزول لا سیف الا ذو الفقار و لا فتی الا علی
واضح و کمال ظهور دارد و اکثر اخبار فی منقبت پیغمبر خدا معروف باخبرت بنوعست و بعد از
اخبرت با تفاق امت و خاصهٔ معصوم سوای اندر در نبود بلکه کافی بودند که عصب جزو نبوت
نبودند و مخالفت از جمله اسلام کودند و دوات قلم را در کردند و آتش بدر خانه زهرا افروختند
و از نفاق و اسلام خبری ندانشتند پس معلوم شد که لابد خلافت بکت و بعد از ثبوت
خلافت اخبرت خلافت باقی ائمهٔ اثنا عشر ثابت بحدیث بحمد اول ارتهاد در حق ایشان
امر مؤکد شد که او اخذ اسلام و نامبرده در قرآن و بود ایشان او عترت پیغمبر آخر الزمان که
امر فرموده خدا در قرآن و ما را بمودت ایشان و فرموده پیغمبر خدا که مثل اهل بیت مثل
سفینهٔ نوح من رکبها نجا و من تخلف عنها غرق و نصب نمود هر یک از ائمه یکی را برای

وابغضني من البغض وبغضها وقرّ وخماً وبغضاها بربك كذا باب وبدا وبنشاكه
كه وضو بكيرد ابتدا الا لامرالله وه در اثنا وضو ابتدا از نهايت سوى سر
فرونا عازى فع راجب طول دفع وجب سر من اجد راكه انكشار اهام وجو
وان وه وكه شو وه در وقت شان وه بكو اللهم بحق وبحق يوم تاتي به
الوجوه والاقدام وبحق يوم تبلى فيه السرائر وه بكله واجب
وه و مضمضت وزياده بدانكه شرعيت وراست يا ازمرفع سراكنكا بشود انا
انصرفي كي وه در وقت شان بكو اللهم اغثني بكتابك في جنني واملأ في الجنان م
جنانك وفي جنني جنانك يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام مراصد راست مرين بود
خلوه دفعت وابدست چپ بن وه وسابر اعضا وبكه ذات بترست چپ
امرون بسراكنكا ان وضو وه در وقت شان بكو اللهم لا تغلل كتابي بشمالي و
لا من وراء ظهري ولا تعطها مغلولة الى عنقي واعوذ بك من مقطعات
النيران ومقطعات النيران طاقها اقل باشد ومداكه شان بسها بخ بكه صد و
استاده وه در صد سنت وزياده بدانكه مراد باشد در شان اول ابتدا بظاهر
ذراع نباشد ودر باطن ذراع ابتدا كند بعد از فراغ از شان دستها مان
ذي كه دست بباشد مقدم سر اصح كند وهنا وسه انكشت مضموم است
وه در وقت مسح سر بكو بسم الله اللهم غشني برحمتك وبركاتك وعفوك پس پاها را بها
وقوي نمايد واز سراكنكار ابتدا كند نا كف پا كه بندي وسط علامت بسلم
واخضر وه در وقت مسح پاها بكو بسم الله اللهم ثبت قدمي على الصراط يوم تزل فيه الاقدام
واجعل سعيي مشكورا وذنبي مغفورا وه در مسح نكو اوجاوز نكند در وضو نادرست كرده
بكو بسم الله ذنبا نغفر ذنبا نغفر ذنبا نغفر ذنبا بعد از الحمد لله رب العالمين
اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين بفرد اوردن وه دكتهو
مطلوبست كه بعد از فراغ از وضو بخواند سورة القدر وبكو اللهم اني اسئلك

تمام الوضوء وتمام الصلوة وتمام رضوانك والجنة كه هركاه وضو واجبن
بكيرد وهر فرضي مقرون بسنتي كرده واند بس وضو بكيرد بكيرد ثواب نرا بشو
دهد تا وضو فضيلت پيوسته شد كه بخواه وضو شرجرات سه غسل وسمح
وهدا كه شرايط وضو بن شرجرات ازا ظهار ثواب واطلاق واجب الله واما
مكان وظرف ثواب شرع معين وضو نيست وه مباشرين وضو سنتي مراعا كند وتا
وضو باشد اجنبا كه هركاه وضو بكيرد باو شراكت نمايد هرچند ثمره ازا نواب
وضو باشد ونيت وضو بالاست اما هركاه بركتي ثواب در وقت اوزياده باشد وضو
از اعضا وضو او زياده ولكن چون وضو مباشر بيان ارباعضا باشد وبيت
وضو واد نيز بران اعضا بايد ظاهر بوجوب بطلان وضو نباشد بهم حدم ماع
او وضو چون باخوابي كه وضو موجب مدر ان نباشد باخوف عشق وضو باوضو
عزيز واشتر باشد وساندانها ابيز واي كه وضو موجب جنابت است كه هركاه وضو
وضو بكيرد وضو باطل نشد بهام وا لوان ست بان معني كه نوشيدن وضو را
طول ازا نكه هر استعمال ساقط نشده باشد وهم زنجب در كمتر است نه در انواع
بان معني كه شش دو دارو دست راست ودست چپ هفتم دارد
ودهدان سر سر باو سمح پاها منظم دارد وسابن سمح پاها نجب بر وضو
هرچند جوازا نست كه سمح باوريست دابر سمح پاي چپ مقدم دارد
بعد نيست كه وضو بكيرد قرة العين وامتثال الامر وهركاه مضطرب
نواب باشد وبدان بايد جنبر عاده وبايد بنت وضو واه وزوايد اشان
دور بايد كه هركاه وضو بكيرد بنت كند وضو باطل شد واسولات
كه مبين وسمه اند وجوب وجب بزرد نيت نمايد وتجبين قصد رفع حدث و
استباحه صلوة نكند ولكن رابم الحدث چون من به التاس وضو همان
استباحه را كفايت نمايد واتمام قصد نمود با قربت خلوه نيت نباشد هركا

کما بشنود اذان را اقامه بگوید [illegible] باشد و با طهارت باشد [illegible]
الکتاب [illegible] بعد از [illegible]
و باید بعد از [illegible] قد قامت الصلوة [illegible]
حی علی الفلاح [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] انک انت التواب الرحیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بعد از مغرب [illegible]

نافله است [illegible] بعد از نماز عشا [illegible] رکعت نماز
[illegible] بعد از نصف شب [illegible] رکعت [illegible] رکعت نافله
صبح [illegible]
واجب التقصیر [illegible] نافلهای ظهرین و عشا ساقط است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ابتدا [illegible] اللهم انت الملک الحق لا اله
الا انت سبحانک انی ظلمت نفسی فاغفر لی ذنبی انه لا یغفر الذنوب الا
انت [illegible] لبیک وسعدیک والخیر فی
یدیک والشر لیس الیک والمهدی من هدیت [illegible]
[illegible] سبحانک وحنانیک [illegible] رب البیت الحرام [illegible]
[illegible]
[illegible]
وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة حنیفا
مسلما وما انا من المشرکین ان صلوتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب

العالمین لا شریک له وبذلک امرت وانا من المسلمین و نخلت ...
تکبیر تحریمست که هر بلند ... تکبیر احرام ... تکبیر
تکبیر الاحرام ... تکبیرات ...

[illegible]

[illegible]

مذکور کرده شد که هرکه بکی اخلال بحرف یابد یا بحرفی زیاده کند یا حرفی
موجب بطلان قرائت و نماز بکرد و بر اوداست که بتنها خارج حروف شود بی
با آنکه حروف مخرج شود بر قسم سلفی و فی و شوی حلوانی که خارج الفاظ
و ان شش حرف است هزه و هاء و عین و حاء و غین و خا اما مخرج هزه و هاء انوحلوت
و مخرج عین و حاء آخر حلق و مخرج غین و خا اول حلق است و فی
آنست که هزه از اول حلق است و آن حلق است و کاف و کاف و جیم و
شین و یاء و ساده لام و نون و راء و طاء و دال و تاء و صاد و سین و
زاء اما مخرج ثاء ذال ظاء باطنی ایشان از اطراف زبان اند با اطراف ثنایا بالا و مخرج
ثاء از نقطه بعد از مخرج نون است و اطراف زبان که کنده شود بر مخرج
سه حاء و یا سه دندان بالا مخرج ظاء و دال و ثاء از نقطه بعد از مخرج ظاء
و مخرج راء از نقطه بعد از مخرج نون است بلند ثنایای فوقانی
از دهن راء ظاء از زبان سه حاء که بود بر ثنایا بالا و دهن و ثنایای زبرین
باطن و دهن و راء و ظاء و ثاء از زبان و ثنایا بالا و باطن و باید مخرج ظاء از اطراف
سر زبان باطن و ثنایا بالا و مخرج طاء از نقطه بعد از مخرج ظاء و دال
از نقطه بعد از مخرج طاء و تاء از نقطه بعد از مخرج دال و مخرج صاد و زاء
و سین از نقطه بعد از مخرج تاء است بسر زبان و ثنایای زبرین

دو و سه بجماعت کرده بوده قبل از اکمال بعدین رکعت نماز باطل میشده یا بعد از تمام
بودن نماز صحیح است یا نه بنا بر بطلان رکعت نکاه در وهمراه بعد از فراغ از نماز تمام نماز
کذا را بترتیب که کرده موجب بکرکعت نماز احتیاط بوده یا موجب دو رکعت باید بنا
را طول کند در بین بکرکعت احتیاط و بجا آورده یا احتیاط را از رکعت بعد از نماز را
جزء نماز کرده و همراه کوید سلام نماز را یا بعد از دو و چهار دفعه و بعد از نماز مشغول دعا و
نماز احتیاط نکوید و در اثناء و از احتیاط یا بعد از فراغ از نماز احتیاط شک میشاید
کرده بنا بر موجب بکرکعت نماز احتیاط است یا بر موجب دو رکعت بنا را بر اقل
چهار نماید هر چند احوط اینست که هر دو شک جدا کند یعنی اول بکرکعت
تمام کند و بکرکعت دیکر بنزکند و یا از اعاده نماید و همراه کوید اکر اینکه نبوده و
بعد از رکعت ان نماز خواهر نوشته یا از رکعت نماز احتیاط بوده و سه بوده
سه و چهار بوده یا سه و نیم بوده یا دو و چهار بوده و سه و چهار بوده نماز باطل
چرا که نکفته واجب دیکر نماز کرده است و بنا کذاشته بر نماز احتیاط
واجب و معاوضت نیز برای مسئلی از شک نماز احتیاط و اضافه نموده نماز دیکر دو را
شاید کرده دیکر باید بنا نماز احتیاط و بکرکعت بر نماز احتیاط کذشته بکند یا
نماز احتیاط دیکر را برای اکه صاحب شک عادتش اضراب شده قرار دهد یعنی دیکر را
الاقوام و اینکونه کوید خدا کفتا چنانچه واجبات و مقارنات میکند بروی که هیچ
وجهی نکند و نماز را تمام بسلام همراه از نماز احتیاط بکرکعت باشد و همراه
دو رکعت باشد بکرکعت دیکر بنزکعت اول بجا آورده و بعد از تمام سلام
دو رکعت نشسته بکرکعت دیکر بنزکعت اول بجا آورده و بعد از تمام سلام
شرایط نماز و نماز احتیاط بشرطاتست و واجب است که نماز احتیاط را بدون
فاصله بعد از نماز و بجا آورده که همراه عمدا ما بین نماز و نماز احتیاط فاصله نشاید
چیزی نباشد که موجب سلام نماز باشد عمدا و سهوا احتیاط باید بعد از نماز احتیاط نماز
اعاده کند و همراه در بین نماز احتیاط هیچ یک از اجناح با نماز نداشته از نماز احتیاط

نماز میکند و نماز صحیح است یا نه اکر نماز احتیاط در رکعت سوم باشد باز رکعت
کرده و نماز تمام شده باشد مثلا اکه در بین نماز احتیاط بچیزی کند که نماز او سه رکعت
بوده و اوشرح و بوده نماز احتیاط را تمام میکند یا احتیاط یکرکعت احتیاط
کرده باشد که دو رکعت مطابق رکعت خواهر نوشته است و چه احتیاط بوده و رکعت
نشسته بوده باشد که موافق رکعت نیست اکر همراه مثلا شک بین دو و چهار کرده
بوده که بنا بر دو بعد از نماز دو رکعت احتیاط میکند و مشغول نماز احتیاط کردید
در اثناء نماز احتیاط یقین کرد که نماز ترسیه رکعت بوده و احتیاج بکرکعت دیکر
دارد و دو رکعت دوم نماز احتیاط شده یکرکعت مکرر بیت که سلام بر دو رکعت
دو رکعت دارد و اتمام میکند احتیاط نماز را اعاده میکند و همراه قبل از رکوع بنزکعت
رکعت خود بنشیند و سلام بسلام دو هم از یک رکعت اکتفا نماید و همراه مثلا
شاک ما بین سه و چهار دو بوده بوده و یا را چهار کذارده بوده مشغول بکرکعت نماز
احتیاط شده در اثنا بین بنین بوده که نماز ترسیه رکعت بوده یکرکعت
باز رکعت متصل بسلام بسلام بعد و اکر همراه دو رکعت نشسته و احتیاط کرده
بوده و خواهر ترسیه کرده رکعت نماز کرده اند و رکعت نشسته را تمام میکند و
چیزی دیکر کفته باشد یکرکعت احتیاط در خلل ایضا بوده و بدانیت که
بعد از این احوال نماز را اخراج اعاده نماید و همراه بعد از نماز احتیاط خواهر نوشته
که احتیاج بان نماز نداشته همراه این نماز احتیاط مواخر بوده یا انچه احتیاج داشته
نماز صحیح است چنانکه شک کرده ما بین دو و سه چهار و یا دو چهار کذارده بوده
رکعت نماز احتیاط را اضافه بعمل آورده و بعد از ان دو رکعت و نشسته که
نماز ترسیه رکعت بوده یا کفته ما بین دو و سه بعد از اکمال بعدین کرده بوده
و بعد از نماز یکرکعت نماز احتیاط را اضافه بعمل آورده و بعد از نماز احتیاط بنزکعت
نوشته که نماز ترسیه رکعت بوده و را بسوی نماز تمام نماز صحیح است و همراه بعد از نماز

احتیاط باطل شود که احتراز از آن واجب است احتیاط باشد مگر آنکه بعد از احتیاط
مرتکب رکنی از ارکان نشده باشد مثل آنکه بعد از آن که فارغ شده و رکعت بوده بعد
از آنکه در سجود اول رکعت شک کرده سلام را نشنیده و در سجده رکعت احتیاط را
آنکه بعد از احتراز احتمال دهد که فارغ شده سلام را نشنیده و در رکعت احتیاط
واجب است سلام را بشنود که فارغ شده نماز احتیاط باطل است و احتراز از
که نماز احتیاط را که عبادتی است نماز دیگر انگارد و گمان برد که در میان نماز
دو و سه و چهار که ابتدا بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و بعد از آن دو رکعت
ایستاده و دو رکعت نشسته نماز احتیاط را بجا آورد و در دو رکعت ایستاده را مقدم
داشته و بعد دو رکعت نشسته و بعد از آن که دو رکعت ایستاده را مقدم داشته و بعد
بدو رکعت نشسته نماز را صحیح است با آنکه در رکعت نشسته را مقدم داشته
و بعد از آن احتیاط کرده که محتاج بدو رکعت ایستاده است بلکه بعد از آن که محتاج
بدو رکعت ایستاده شد محتاج بدو رکعت نشسته است و همچنین اگر بعد از احتیاط
دانسته که در رکعت احتیاط سجده را فراموش کرده و همچنین اگر بعد از احتیاط
بظن که بعدم احتیاج بآن نماز احتیاط را تمام کرده محتاج شده و همچنین
اگر بعد از احتیاط خواهد فرمود و بداند که در نماز احتیاط سهوی یا
شکی حاصل کرده که محتاج بآن نماز است از آن بگذرد و در اعمال نماز و
اجزاء آن بسهو و افتاد نباشد و احتیاط سهو واجب است بدانکه چون سهو
واجب رکنی فراموش نموده باشد سجده را در نماز که باید بعد از نماز آن سجده را

بجا آورد و دو سجده سهو نیز برای او لازم است و دوم چیزی که سهو واجب رکنی
شود آنست که فراموش کرده باشد بعد از نماز آن رکنی را بجا آورد و دو سجده سهو
برای او بجا آورد و هر چیز که سهو واجب رکنی شود در نماز سهو واجب نیست بنابراین
نماز او در جای مخالف داده باشد چنانچه بعد از چهار و پنج بعد از کامل بجا آورده باشد که
این چیزها سجده سهو واجب نیست و آنها نیست که برای هر یک از آنها سجده سهو
مقرر شده و موضع قیام نیز سجده سهو بجا آورد و دستور آن که تکبیر گفته و
سجده سهو میگذارد برای هر یک سجده سهو جزء نماز نیست و در صورتی که بعمل آورده
قربة الی الله و بجا آورده و در میان دو سجده و بعد سجده نیز ذکر خدا
بخواند مثل بسم الله و بالله السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام
علینا و علی عباد الله الصالحین و بعد از آن تشهد بخواند و سلام بدهد و
در تشهد و سلام مستحب است که بعد از شهادتین صلوات بر محمد و آل او بفرستد
و بعد از سلام بگوید بسم الله و بالله السلام علی محمد و آل محمد و بعد از
آن بگوید السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام علینا و علی
عباد الله الصالحین و بعد از آن بگوید السلام علیکم و رحمة الله و برکاته
و اگر سجده سهو بر او لازم شده باشد و در نماز بجا نیاورده و سجده نماز را بجا
آورده و بعد از نماز بجا آورد و اگر فراموش کرده باشد که سجده سهو را بجا آورد
بعد از نماز بجا آورد و اگر فراموش کرده باشد که سجده سهو را بجا آورد و بعد از
نماز بجا آورد و هر گاه سجده سهو واجب شود و بجا نیاورد و بعد از نماز بجا آورد
و در اثنای نماز سجده سهو را بجا آورد و بعد از نماز بجا آورد و بعد از نماز
بجا آورد و بعد از نماز بجا آورد و بعد از نماز بجا آورد و بعد از نماز
بجا آورد و بعد از نماز بجا آورد و بعد از نماز بجا آورد و بعد از نماز
بجا آورد و بعد از نماز بجا آورد و بعد از نماز بجا آورد و بعد از نماز

[illegible]

[illegible]

۵

خدا و للعالم سربه فرمان خدا و غیر آنکه امر بر او روا نیست و
هر کرد و هر صبحه از سبب این استماد و اجوانه و بعد از ان ضعیف
شود و نماند و هو ولیهاد و سایر ایام سبعه مثل این است
سنوات و در جمیع ایام صبحه مثل این است که بعد از استغفار
انشا الیک الا الله الا هو تبت علی و انا علی عهدک و وعدک ما
استطعت اعوذ بک من شر ما صنعت که هر کس بعد از نماز
صبح و قبل از آنکه حرف بزند بگوید لا اله الا الله و حده لا شریک له
له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو علی کل شیء قدیر
صد مرتبه و بعد از نماز صبح و قبل از آنکه حرف بزند بگوید
سبحان الله و بحمده صد مرتبه و بعد از نماز صبح و قبل از آنکه
حرف بزند بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له
الحمد بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر ده مرتبه هیچ
ذنب او را نگذارد و ثواب هر یک از اینها صد حسنه است
و صد سیئه محو میشود و صد درجه بلند میشود و
صد حاجت روا میشود و از شر شیطان و از شر سلطان
و از شر هر ظالم و از شر هر دشمن ایمن میشود و
هیچ ذنب او را نگذارد و ثواب هر یک از اینها صد حسنه است
و صد سیئه محو میشود و صد درجه بلند میشود و
صد حاجت روا میشود و از شر شیطان و از شر سلطان
و از شر هر ظالم و از شر هر دشمن ایمن میشود و
هیچ ذنب او را نگذارد و ثواب هر یک از اینها صد حسنه است
و صد سیئه محو میشود و صد درجه بلند میشود و
صد حاجت روا میشود و از شر شیطان و از شر سلطان
و از شر هر ظالم و از شر هر دشمن ایمن میشود و

۵

هیچ ذنب او را نگذارد و ثواب هر یک از اینها صد حسنه است
و صد سیئه محو میشود و صد درجه بلند میشود و
صد حاجت روا میشود و از شر شیطان و از شر سلطان
و از شر هر ظالم و از شر هر دشمن ایمن میشود و
هیچ ذنب او را نگذارد و ثواب هر یک از اینها صد حسنه است
و صد سیئه محو میشود و صد درجه بلند میشود و
صد حاجت روا میشود و از شر شیطان و از شر سلطان
و از شر هر ظالم و از شر هر دشمن ایمن میشود و

لذ ذوب القرنفل الغواة واضرب لها الذهب الوان وذل الناقم واشرب الكذب
الى هذا الجسم والبس وذاك الخيبة الى الاثام وتابعين من شرعها الشا
بالله والقها الى استغلين بين هذه الاقلام ذات الحراب الشيخ بنا فهل ومن
تجعلون وذات القرن العظيم وذات السبع الثاني والقرآن المبلغ وذات
اسرائيل وسبكا على بشير الاكرمين صلى الله عليه وآله وصحبه وذات
ذهاب الجبين الشاذلية وبها جاب الحمان به يعلم ان الذي تحن بالعلية و
ندع على هذه وانطق كل جزل وقضايا من تعاب الغبية والخير و
تعمل ما ذنبا الا بذرة الشر وان ميل هو على وتعلم بيه والجن ز شيئا
حين معه شديد الخبرة وعلى رؤوف الجلي بحالك وتلبي بسؤالك وتعرف
كرامات وتجتم حبيبك والجلي من قربها بذلك ومن خبرتها انك معصيه اسأ
جريمات والجبي مع الله مالك باوضح كل شكوى وبالباطن كما تحتي وبنا
دام كل جبيه فادع ما انك آمن بالجنة ما كوبه الغيب ما حسن القاهر وقوي على
جلاله وعظم وطرب وصلى الله على سيدنا محمد آله وصحبه وسلم الله
قوي عوانا يا قوي انك وعقبنا يا غفار انك الاكرم جبني في هذه الشدة
قبل لا قوله ولا حيلة بنا يا من بيدك والجلي الى كل عجل وقول ولا حيلة
بيدك في هذه الشدة يا رفع الاحزان والمنقي من كل عجل وقول ولا حيلة
جلالك من مؤمنيه وانقاذ عبدك بالمن عليه سيدنا ان تشرف وتحمل الكرم
على فاستجب به عبدك ورسولك في بيتك يا ذو الجلال والاكرام اسعفني في
مسئلتي بنور عينك وذي جوارك وارحمك وتعطف عبدك بالرضا انك
كريم انك جزيل وتحمل عبدك الا الله غير الله الاكرم استعفي يا من بيده
عني مزاج بابك والجلي بهم كل مسعفي يا من الرحمن يا بديع عليك جئتم و
احترت الاكرم ترحمني وتعطني وتبارك على بنبي والنبي الجزاء و

صلى الله على محمد وآله [illegible] سبحان من يعلم
جوارح القلوب سبحان من يحصي عدد الذنوب سبحان من لا يخفى عليه خافية
في السموات والارضين سبحان الرب الودود سبحان الفرد الوتر سبحان العظيم
الاعظم سبحان من لا يعتدي على اهل مملكته سبحان من لا يؤاخذ اهل الارض
بالوان العذاب سبحان الحنان المنان سبحان الرؤوف الرحيم سبحان الجبار الجواد
سبحان الكريم الحليم سبحان البصير العليم سبحان البصير الواسع سبحان
الله على اقبال النهار سبحان الله على ادبار النهار سبحان الله على ادبار الليل
واقبال النهار وله الحمد والمجد والعظمة والكبرياء مع كل نفس وكل
طرفة عين وكل لمحة سبق في علمه سبحانك ملء الميزان سبحانك
زنة عرشك سبحانك سبحانك [illegible] الهي لا تؤدبني بعقوبتك ولا تمكر
بي في حيلتك من اين لي الخير يا رب ولا يوجد الا من عندك ومن اين
لي النجاة ولا تستطاع الا بك لا الذي احسن استغنى عن عونك ورحمتك
ولا الذي اساء واجترأ عليك ولم يرضك خرج عن قدرتك يا رب
يا رب يا رب بك عرفتك وانت دللتني عليك ودعوتني اليك ولولا
انت لم ادر ما انت الحمد لله الذي ادعوه فيجيبني وان كنت
بطيئا حين يدعوني والحمد لله الذي اسأله فيعطيني وان كنت بخيلا
حين يستقرضني والحمد لله الذي اناديه كلما شئت لحاجتي واخلو به حيث
شئت لسري بغير شفيع فيقضي لي حاجتي والحمد لله الذي لا ادعو غيره
ولو دعوت غيره لم يستجب لي دعائي والحمد لله الذي لا ارجو غيره
ولو رجوت غيره لاخلف رجائي والحمد لله الذي وكلني اليه فاكرمني ولم يكلني الى الناس
فيهينوني والحمد لله الذي تحبب الي وهو غني عني والحمد لله الذي يحلم عني

حتى كأني لا ذنب لي فربي احمد شيء عندي واحق بحمدي اللهم اني اجد سبل
المطالب اليك مشرعة ومناهل الرجاء لديك مترعة والاستعانة بفضلك
لمن أملك مباحة وابواب الدعاء اليك للصارخين مفتوحة واعلم انك للراجين
بموضع اجابة وللملهوفين بمرصد اغاثة وان في اللهف الى جودك والرضا بقضائك
عوضا من منع الباخلين ومندوحة عما في ايدي المستأثرين وان الراحل
اليك قريب المسافة وانك لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم الاعمال
دونك وقد قصدت اليك بطلبتي وتوجهت اليك بحاجتي وجعلت بك
استغاثتي وبدعائك توسلي من غير استحقاق لاستماعك مني ولا استيجاب لعفوك
عني بل لثقتي بكرمك وسكوني الى صدق وعدك ولجئي الى الايمان بتوحيدك
ويقيني بمعرفتك مني ان لا رب لي غيرك ولا اله الا انت وحدك لا شريك لك
اللهم انت القائل وقولك حق ووعدك صدق واسألوا الله من فضله ان
الله كان بكم رحيما وليس من صفاتك يا سيدي ان تأمر بالسؤال وتمنع العطية
وانت المنان بالعطيات على اهل مملكتك والعائد عليهم بتحنن رأفتك الهي
ربيتني في نعمك واحسانك صغيرا ونوهت باسمي كبيرا فيا من رباني في الدنيا
باحسانه وتفضله ونعمه واشار لي في الآخرة الى عفوه وكرمه معرفتي يا مولاي
دليلي عليك وحبي لك شفيعي اليك وانا واثق من دليلي بدلالتك وساكن
من شفيعي الى شفاعتك ادعوك يا سيدي بلسان قد اخرسه ذنبه رب اناجيك
بقلب قد اوبقه جرمه ادعوك يا رب راهبا راغبا راجيا خائفا اذا رأيت
مولاي ذنوبي فزعت واذا رأيت كرمك طمعت فان عفوت فخير راحم وان عذبت
فغير ظالم حجتي يا الله في جرأتي على مسألتك مع اتياني ما تكره جودك
وكرمك وعدتي في شدتي مع قلة حيائي رأفتك ورحمتك وقد رجوت ان
لا تخيب بين ذين وذين منيتي فحقق رجائي واسمع دعائي يا خير من دعاه داع

[illegible]

[illegible]

صل على علي بن موسى إمام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف
العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على محمد بن علي إمام المسلمين ووال من
والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على علي
بن محمد إمام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب
على من ظلمه اللهم صل على الحسن بن علي إمام المسلمين ووال من والاه
وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على الخلف من
بعده إمام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وعجل فرجه اللهم
صل على القاسم والطاهر ابني نبيك والعن من آذى نبيك فيهما اللهم صل
على رقية بنت نبيك والعن من آذى نبيك فيها اللهم صل على أم كلثوم
بنت نبيك والعن من آذى نبيك فيها اللهم صل على الخيرة من ذرية نبيك
اللهم اخلف نبيك في أهل بيته اللهم مكن لهم في الأرض اللهم اجعلنا
من عددهم ومددهم وأنصارهم وأعوانهم على الحق في السر والعلانية
اللهم اطلب بذحلهم ووترهم ودمائهم وكف عنا وعنهم وعن كل مؤمن
ومؤمنة بأس كل باغ وطاغ وكل دابة أنت آخذ بناصيتها إنك أنت
أشد بأسا وأشد تنكيلا [illegible] اللهم
إني أسألك من صلاتك بأجملها وكل صلاتك جميل اللهم إني أسألك بصلاتك
كلها اللهم إني أسألك من رزقك بأعمه وكل رزقك عام اللهم إني أسألك
برزقك كله اللهم إني أسألك من عطائك بأهنئه وكل عطائك هني
اللهم إني أسألك بعطائك كله اللهم إني أسألك من خيرك بأعجله وكل خيرك
عاجل اللهم إني أسألك بخيرك كله اللهم إني أسألك من إحسانك بأحسنه
وكل إحسانك حسن اللهم إني أسألك بإحسانك كله اللهم إني أسألك
بما تجيبني به حين أسألك فأجبني يا الله وصل على محمد النبي وعلي المرتضى

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

به حملة عرشك وملائكتك [illegible] وجميع الانبياء [illegible] من نبي او صديق
او شهيد [illegible] الراغبين اليك الذين [illegible] منك [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
ولا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
لا [illegible] يا قدوس [illegible] يا الله يا الله يا رحمن يا
رحيم [illegible] يا رب يا رب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
[illegible]
[illegible] يا ارحم الراحمين [illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible] اللهم لا تدع [illegible] ذنبا الا غفرته ولا
[illegible] الا [illegible] ولا دينا الا قضيته ولا [illegible] الا
[illegible]
[illegible]
[illegible] يا ارحم الراحمين اللهم لا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] يا ارحم الراحمين اللهم [illegible] في مجلس هذا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
[illegible] يا ارحم الراحمين وصلى الله
على محمد واله [illegible]

در ربع رمضان

يجير ولا يجار عليه يا من يقضي ولا يقضى عليه يا من يحكم ولا يحكم عليه يا من
لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد سبحانك يا نعم الحسيب يا نعم الطبيب
يا نعم الرقيب يا نعم القريب يا نعم المجيب يا نعم الحبيب يا نعم الكفيل يا نعم الوكيل يا نعم المولى
يا نعم النصير سبحانك يا سرور العارفين يا منى المحبين يا انيس المريدين يا حبيب
التوابين يا رازق المقلين يا رجاء المذنبين يا قرة عين العابدين يا منفس عن
المكروبين يا مفرج عن المغمومين يا اله الاولين والآخرين سبحانك اللهم اني
اسألك باسمك يا ربنا يا الهنا يا سيدنا يا مولانا يا ناصرنا يا حافظنا يا دليلنا يا
معيننا يا حبيبنا يا طبيبنا سبحانك يا رب النبيين والابرار يا رب الصديقين و
الاخيار يا رب الجنة والنار يا رب الصغار والكبار يا رب الحبوب والثمار
يا رب الانهار والاشجار يا رب الصحاري والقفار يا رب البراري والبحار يا
رب الليل والنهار يا رب الاعلان والاسرار سبحانك يا من نفذ في كل شيء امره
يا من لحق بكل شيء علمه يا من بلغت الى كل شيء قدرته يا من لا يحصي العباد نعمه
يا من لا تبلغ الخلائق شكره يا من لا تدرك الافهام جلاله يا من لا تنال
الاوهام كنهه يا من العظمة والكبرياء رداؤه يا من لا يرد العباد قضاءه يا
من لا ملك الا ملكه يا من لا عطاء الا عطاؤه سبحانك يا من له المثل
الاعلى يا من له الصفات العليا يا من له الآخرة والاولى يا من له الجنة المأوى
يا من له الآيات الكبرى يا من له الاسماء الحسنى يا من له الحكم والقضاء يا
من له الهواء والفضاء يا من له العرش والثرى يا من له السموات العلى سبحانك
اللهم اني اسألك باسمك يا عفو يا غفور يا صبور يا شكور يا رؤوف يا عطوف
يا مسؤول يا ودود يا سبوح يا قدوس سبحانك يا من في السماء عظمته
يا من في الارض آياته يا من في كل شيء دلائله يا من في البحار عجائبه يا من
في الجبال خزائنه يا من يبدأ الخلق ثم يعيده يا من اليه يرجع الامر كله يا من

اظهر في كل شيء لطفه يا من احسن كل شيء خلقه يا من تصرف في الخلائق قدرته
سبحانك يا حبيب من لا حبيب له يا طبيب من لا طبيب له يا مجيب من لا مجيب له يا شفيق
من لا شفيق له يا رفيق من لا رفيق له يا مغيث من لا مغيث له يا دليل من لا دليل
له يا انيس من لا انيس له يا راحم من لا راحم له يا صاحب من لا صاحب له سبحانك
يا كافي من استكفاه يا هادي من استهداه يا كالي من استكلاه يا راعي
من استرعاه يا شافي من استشفاه يا قاضي من استقضاه يا مغني من استغناه يا موفي
من استوفاه يا مقوي من استقواه يا ولي من استولاه سبحانك اللهم اني
اسألك باسمك يا خالق يا رازق يا ناطق يا صادق يا فالق يا فارق يا فاتق يا راتق
يا سابق يا سامق سبحانك يا من يقلب الليل والنهار يا من جعل الظلمات
والانوار يا من خلق الظل والحرور يا من سخر الشمس والقمر يا من قدر الخير
والشر يا من خلق الموت والحياة يا من له الخلق والامر يا من لم يتخذ صاحبة ولا
ولدا يا من ليس له شريك في الملك يا من لم يكن له ولي من الذل سبحانك يا من
يعلم مراد المريدين يا من يعلم ضمير الصامتين يا من يسمع انين الواهنين يا من
يرى بكاء الخائفين يا من يملك حوائج السائلين يا من يقبل عذر التائبين يا
من لا يصلح عمل المفسدين يا من لا يضيع اجر المحسنين يا من لا يبعد عن قلوب العارفين
يا اجود الاجودين سبحانك يا دائم البقاء يا سامع الدعاء يا واسع العطاء يا غافر
الخطاء يا بديع السماء يا حسن البلاء يا جميل الثناء يا قديم السناء يا كثير الوفاء يا
شريف الجزاء سبحانك اللهم اني اسألك باسمك يا ستار يا غفار يا قهار يا جبار
يا صبار يا بار يا مختار يا فتاح يا نفاح يا مرتاح سبحانك يا من خلقني وسواني يا
من رزقني ورباني يا من اطعمني وسقاني يا من قربني وادناني يا من عصمني و
كفاني يا من حفظني وكلاني يا من اعزني واغناني يا من وفقني وهداني يا من
آنسني وآواني يا من اماتني واحياني سبحانك يا من يحق الحق بكلماته يا من يقبل

[illegible]

[illegible]

[illegible] لا اله الا انت المؤمن [illegible]

[illegible]

[illegible] هر که این دعا را بخواند [illegible]

[illegible] التوریة والانجیل والزبور والفرقان [illegible]

[illegible] ثواب ابراهیم و موسی و عیسی و محمد [illegible]

[illegible]

[illegible] بیت المقدس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

باشد لا اله الا الله وحده لا شریک له [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جبرئیل [illegible]

عرض کرد که هر که این دعا را [illegible] بخواند خدای تعالی [illegible]

جهنم حرام گرداند و هر که [illegible] بخواند بهشت [illegible] واجب گردد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فطره ... [illegible] ... که فطره ... [illegible]

[illegible] ... زکوة ... [illegible]

[illegible] ... عیال ... باشد ... [illegible]

[illegible] ... عیال ... [illegible]

[illegible] ... عیال ... فطره ... [illegible]

که ... فطره ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... فطره ... [illegible]

[illegible] ... عیال ... باشد ... [illegible]

عیال ... باشد ... باشد زکوة فطره ... [illegible]

بر صاحب خانه واجب ... زکوة فطره ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... فطره ... [illegible]

[illegible] ... فطره ... صاحب خانه ... [illegible]

[illegible] ... فطره ... [illegible]

عیال ... باشد ... [illegible]

[illegible] ... زکوة فطره ... [illegible]

[illegible] ... باشد ... [illegible]

[illegible] ... واجب ... باشد ... [illegible]

[illegible] ... عیال ... باشد زکوة فطره ... [illegible]

فطره ... [illegible]

[illegible] ... باشد ... [illegible]

[illegible] ... عیال ... [illegible]

[illegible] ... زکوة فطره ... [illegible]

[illegible] ... باشد ... [illegible]

[illegible] ... باشد ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... الاسلام ... [illegible]

[illegible]

٥

وتعالت العظمة لك وحدك في ملوكك وعلوت في ربوبيتك قديما قبل خلقك
من السماء والارض وما فيهما وما بينهما وانت الحي القيوم لك ما في السموات
السبع والارضين السبع والارض الثالثة تحار فيه اللباب ويحسر دونه الطرف
وتكل عنه الفطناء سبوح قدوس لا اله الا انت الكبير الجبار وحدك لا شريك
وحدك لا شبيه لك ولا مثيل يحكاك وانت لا تحتاج الى شيء من خلقك الا
وسعت كل شيء رحمة وعلما وانت الذي لا اله الا انت كل شيء خاضع
ذليل لك وانت الذي لا اله الا انت كل شيء صامت عن ذكرك وانت
الذي لا اله الا انت كل شيء يسبح بحمدك ولا يتحرك الا بعونك وانت
الذي لا اله الا انت كل شيء يرجع الى مشيتك ولا يمتنع منك
وانت الذي لا اله الا انت ما ترى وما لا ترى وما تعلم وما لا تعلم
وانت الذي لا اله الا انت ذو العظمة والجلال والكبرياء والجبروت
وانت الذي لا اله الا انت الذي لا يشغلك شأن عن شأن ولا يغيرك
ولا يشتبه عليك الاصوات ولا تختلف عليك اللغات ورحمتك يا الهي
خواتة الاختلاف ما في يومي هذا ما ترى تعلم يا الهي ان النفس
في شقاء ولم تزل كذلك منذ خلقت يا الهي ان النفس فلا تكلني الى نفسي
طرفة عين ابدا ان النفس علت الملوك بعزتك واستعبدت
الارباب بسلطانك وانت الذي قهرت كل شيء بقوتك وعلوت كل شيء بعظمتك
انت الله لا اله الا انت سبحانك لا تستحي يا الهي ان النفس لا يصف
الواصفون عظمتك ولا تبلغ المدارك الملكوت ما انت يا الهي ولا تحصى
نعماك وآلاءك يا الهي ان النفس لا يحيط بك علما ولا يحصيك عددا
ولا يبلغ سلطانك مدا ولا قدرتك امدا ان الكائن الحي كل شيء والمكون لكل
شيء والخالق بعد كل شيء انت الواحد الاحد الفرد لم تلد ولم تولد ولم يكن
لك كفوا احد ولم تجد صاحبة ولا ولدا ملك الملوك ومن جبروت ملكه

٥

الارضون ومن يعمرها ملكت ما تمنع ومنعت الذي لك ما حسبت كلوا
الحسبة بمثاله ان تدبر الخلق بمشيئته وان لا تشغلك احداهما عن الاخرى
يسمعون وانت الحفاظ لما ترى وانت القريب وانت البعيد وانت البصير
وانت البصيرة وانت الشديد وانت الرحيم وانت العليم وانت الغني
ان تحكم وانت الحكيم وانت الرحيم وانت العليم وانت الغني
ان لا تسأل وانت الجواد وانت الذي لا تحل وانت الغفور الذي لا
وانت الذي لا اله الا انت كل شيء في الثواب والارض وانت يا نور
جلد الجبال انت ربي وانت اباي الاولين ان تجعل المنتظر ابدا
ان تجعل وما ترى الجزع وانت خلقت ابدا وانت هلكت عن
الدوام جزعا وانت ثكلت من الوالد مرة وانت رددت موسى على امه
وانت مرارة نفوس الخلق ابدا وانت خلقت الحسنات الحسنى وانت
يا نور العالمين وانت الحي القيوم لا تأخذك سنة ولا نوم وانت
وانت الحصن المنيع لا يحيط بك الاحاطة ولا تحويك الاماكن
وانت الحصن المنيع لا يحيط بك الاحاطة ولا تحويك الاماكن
علم نفسك بحقائق وجهك وما ذكرت انها لك وصلت ما اعرفنا
واحل عظمتك ومنا اقربك من ربوبيتك الفلك خلقك واصنعت
ان تمرا وتمنع والسهل والجبل والماء والظلمة والنور والسماء والارض
والبحر والبر والليل والنهار والشمس والقمر والكواكب والملائكة والجن
والانس وآدم من التراب وابليس من نار فطرت الضعيف والقوي
من بعد ما لا شيء ومن شيء وانت على كل شيء قدير وانت اعلم من
تعلم وتعلم ما لم تعلم بعد ما تريد لم تنطق قط الا بما زينك وعن لم تنطق
قط الا بما زينك سبحانك سبحانك وتعالى ربنا ونعوذ بك ان نقول

١٦ ١٦

ما شاء الله [illegible] لا إله إلا الله [illegible]
أكبر ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم وسبحان الله [illegible]
[illegible] في السموات والأرض وعشيا وحين تظهرون وسبحان الله
[illegible] الليل وأطراف النهار وسبحان الله بالغدو والآصال وسبحان [illegible]
رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب [illegible]
[illegible]
[illegible] وسبحان الله [illegible] كل شيء [illegible]
[illegible] ولا إله إلا الله
[illegible] والله أكبر كما [illegible] الله [illegible]
[illegible] ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم [illegible]
[illegible] اللهم إني أسألك يا الله يا رحمن [illegible]
[illegible] يا الله [illegible] بأسمائك الحسنى [illegible]
بأسمائك العزيزة [illegible] بكلماتك التامة [illegible]
[illegible] أسألك بأسمائك التي لا [illegible]
[illegible] وأسألك [illegible] يا الله [illegible]
[illegible] يا الله [illegible]
[illegible] وأسألك [illegible]
[illegible] الأعظم الأعظم الأكرم الأكرم [illegible]
[illegible] على [illegible] الكامل الذي [illegible] على
جميع [illegible] وأسألك [illegible]
به يا الله [illegible] فأسألك يا رحمن أن تصلي
على محمد [illegible]
[illegible] وعلى أهل بيت محمد [illegible] على

محمد وأهل بيت محمد [illegible] والخير [illegible]
[illegible] اللهم صل على محمد وآل
محمد في الأولين وصل على محمد وآل محمد في الآخرين وصل على محمد وآل محمد في الملأ
الأعلى وصل على محمد وآل محمد في المرسلين اللهم أعط محمدا الوسيلة
[illegible] والفضيلة والشرف والرفعة والدرجة الكبيرة اللهم [illegible]
[illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
[illegible]
[illegible] من النبيين والمرسلين
اللهم [illegible] في أمره
[illegible]
[illegible]
[illegible] اللهم صل على محمد وآل محمد الذين [illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
اللهم [illegible] اللهم [illegible] لآل محمد اللهم
[illegible]
[illegible] اللهم إني أسألك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تغفر لي ولوالدي
[illegible] اغفر لكل [illegible]
[illegible] إنك على كل شيء قدير اللهم

[illegible]

اسئلك [illegible] من قبل الايمان [illegible]

[illegible] اللهم [illegible]

[illegible]

[illegible]

عذاب [illegible] ربنا اغفر لنا ولإخواننا الذين سبقونا بالإيمان ولا تجعل في قلوبنا

غلا للذين آمنوا ربنا انك رؤوف رحيم [illegible] والمؤمنين والمؤمنات

[illegible] اللهم [illegible]

[illegible]

[illegible]

اللهم بديع السموات والارض عالم الغيب والشهادة ذا الجلال والاكرام

[illegible]

[illegible] يا ذا الجلال والاكرام يا رب يا رب [illegible]

[illegible]

[illegible]

بيننا انك وقاه بفضله ورحمته ومعه في الدنيا وقفه منا عنك
وتقدم لك وهابه اليك وتوبه نصوحا بادرت بادرت بادرت اللهم اليه
كما خلقتني ولم اكن شيئا مذكورا واسبغ علي هذا النعماء وتوالي اللهم عليك
الرحمن والكرامات الاخرة وسبباب الثاني والاثام والغني بترما اجعل الفقر
في الاخرين اللهم بادرت في بقدرتك وحين قضائك الكرام اعطني مسايل تحمد
الاقدار ذا في شكرا وقرنا وتوبة بادرت بادرت بادرت اللهم
اللهم الجمع لي يوم ليكامعة تحلق بعظمة اللهم ابحث وقبلة مني و
اسعله معا جميعا ولي بعضه بعضا وان تحتي بشكل بتنادي اللهم صلة
دنا من ساعة وان كل قوم في شاب اللهم واكبة لي في بيلة وان يوم لحر و
لا تسألك ما ان تحول قد عرفت لي عرف ما اللهم من ربه وما تأخر واجعلني كذة
وهيئة واسلبنه لي بعض والكفة وتحتك وتحتنه وتابعة واسعله
وتعذبه وتخلصه وتقرب له وتعوذ منه لبعض بادرت بادرت
اللهم ان لهذه البلدة بادرت بادرت بادرت اللهم صل على سيدنا محمد وعلى آله
وصاحبه وابنائه وذريته واهله وعقبه وجميع ما انت به عالم في جناب
الغيوب وانت علام كل ذلك في تعلق في الاسباب من اهوال يوم القيامة
ومن شدائد الاخرة ومن هول الدنيا وخوفه وتوليه اسألك ان تدبر لي
وتصلح شؤوني بالقول الثابت في الحياة الدنيا وفي الاخرة اللهم اغفر وتب
عليهم وصلى الله على محمد وآله وسلم كثيرا وحسبنا الله ونعم الوكيل بادرت
بادرت بادرت اللهم اني اسألك ان تغفر لي حتى كل ما بيني وبينك
بغير وشر كل شيء من خلقك وتبديد وشر الشاهد والغائبة والعامة
والخاصة وشر كل دابة انت مستقيم بناصيتها ان ربي على صراط
مستقيم اللهم اني اسألك بمعرفة العرب والعجم وشر وقعة الجوع والاضطرار على كل شيء

الاخرة الاولى الاخرة الاخرة اللهم اجبر مصيبتي واحسن عقبى في الامور كلها
واجرني من خزي الدنيا وعذاب الاخرة اللهم اني اسألك في الدنيا حسنة وفي
الاخرة حسنة وقنا عذاب النار بادرت بادرت بادرت اللهم ما كان من خير وجميع
اسألك به والان في الزمان وما بعد ذلك وما اشكر من الشر فما
على في الدنيا والاخرة اللهم ستر العورات واحفظ ما اتعبت منه وما لم تعطه
منه وجب علي به الدار وتحفظ فما بقي منه وما تفتقر من الخطاء والزلل
البنية وتنجي المكاره الى ما في الطهور فما بقي منه اللهم ذا العزم تنبه من
نقل له واجعل في بلده وفي الدار والقبر والقيامة الى الجنة فيه خطاه
فاسألك وجعلك اللهم ان يعلم ما بقي من جميع ذلك بادرت بادرت
بادرت بادرت واسألك بادرت به بذلك الفرائض من جميع ذلك وبقي الصلاة
وبقي الزكاة ان تعطي ما الاخرة الدنيا وبقي والصيام على ظاهرها والحج
بالاخرة الى الله وبقي الجهاد بادرت اللهم بادرت بادرت بادرت
الاولى ان يعلم ما بقي من جميع ذلك بادرت بادرت بادرت اللهم
بادرت بادرت بادرت اللهم اني اسألك بادرت به بذلك الفرائض من جميع ذلك
وبقي الصلاة وبقي الزكاة ان تعطي ما الاخرة الدنيا وبقي والصيام على ظاهرها
بالاخرة الى الله وبقي الجهاد بادرت اللهم بادرت بادرت بادرت
اللهم اني اسألك ان تغفر لي حتى كل ما بيني وبينك بغير وشر كل شيء
من خلقك وتبديد وشر الشاهد والغائبة والعامة والخاصة وشر كل دابة
انت مستقيم بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم اللهم اني اسألك
بمعرفة العرب والعجم وشر وقعة الجوع والاضطرار على كل شيء

دوازدهم

أسألك بأنك [illegible] لا إله إلا أنت أسألك [illegible] لا إله إلا أنت ولا إله إلا
أنت أسألك [illegible] لا إله إلا أنت لا إله إلا أنت أسألك [illegible] إله إلا
اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني أسألك من رزقك
[illegible] اللهم إني أسألك [illegible] اللهم إني أسألك من
[illegible] اللهم إني أسألك [illegible]
[illegible] اللهم إني أسألك [illegible]
اللهم إني أسألك من [illegible] وكل [illegible] اللهم إني أسألك
[illegible] اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم صل
على محمد وآل محمد [illegible]
[illegible] والأئمة [illegible]
[illegible] اللهم صل على محمد
[illegible] في الأولين وصل على محمد وآل محمد في الآخرين وصل على
محمد وآل محمد في الملأ الأعلى وصل على محمد وآله في المرسلين اللهم أعط محمدا
الوسيلة والشرف والفضيلة والدرجة الكبيرة اللهم صل على محمد وآل محمد
[illegible]
[illegible] اللهم صل على محمد وآل محمد [illegible]
[illegible] اللهم صل على محمد وآل محمد [illegible]
[illegible] ومن كل [illegible] ومن كل [illegible] ومن كل [illegible]
ومن كل [illegible] ومن كل [illegible] ومن كل [illegible]
من السماء إلى الأرض [illegible] وفي هذا اليوم وفي هذا
الشهر [illegible] اللهم صل على محمد وآل محمد [illegible] من كل
ومن كل [illegible] ومن كل [illegible] ومن كل [illegible] ومن كل

[illegible] ومن كل [illegible] ومن كل [illegible]
ومن كل [illegible] من السماء إلى الأرض [illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اللهم إنا [illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] من كل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

٥

أما بعد فإني أحمد إليكم الله الذي لا إله إلا هو وأشهد أن محمداً عبده ورسوله
المبعوث بالحق إلى الخلق كافة بشيراً ونذيراً وداعياً إلى الله بإذنه وسراجاً منيراً
وأنا بعد أيها الناس فسلام الله على نبيه ورسوله وحبيبه ومصطفاه
وخيرته من خلقه وأمينه على وحيه وصفوته من بريته وعلى آله الطيبين
الطاهرين وأصحابه المنتجبين وأزواجه أمهات المؤمنين وسلم تسليماً كثيراً
أما بعد فإن الله تبارك وتعالى لم يخلق خلقه عبثاً ولم يتركهم سدى
بل خلقهم لعبادته وأمرهم بطاعته ونهاهم عن معصيته وأمرهم بالتقوى
وحثهم عليها ورغبهم فيها وأخذ عليهم الميثاق بالوفاء بها وأنزل عليهم
الكتب وأرسل إليهم الرسل وأيدهم بالآيات والبينات والمعجزات
الباهرات والدلالات القاطعات وأقام عليهم الحجج البالغات
ليهلك من هلك عن بينة ويحيى من حي عن بينة وليعلم أن الله
سميع عليم وأن الله يعلم ما في أنفسكم فاحذروه وأن الله غفور
رحيم وأن الله يعلم ما في السموات وما في الأرض وأن الله بكل
شيء عليم وأن الله على كل شيء قدير وأن الله شديد العقاب
وأن الله لذو مغفرة للناس على ظلمهم وأن الله لرؤف رحيم
بعباده وأن الله يحب التوابين ويحب المتطهرين وأن الله
يحب المحسنين وأن الله يحب المقسطين وأن الله يحب
الصابرين وأن الله يحب المتوكلين وأن الله يحب المتقين
وأن الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفاً كأنهم بنيان
مرصوص وأن الله يحب الذين آمنوا وعملوا الصالحات
وأن الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفاً كأنهم بنيان
مرصوص وأن الله يحب الذين آمنوا وعملوا الصالحات
وأن الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفاً كأنهم بنيان
مرصوص وأن الله يحب الذين آمنوا وعملوا الصالحات

٥

فيتبين هذا الخبر بما ذكر من سلوك سنته وطريقته القائم بمثل ما قام به
فهو الذي يحق له الخلافة والإمامة لا من تغلب عليها بالقهر والغلبة
وأن كلمة الأكابر الشيعة أن الشيخين غاصبان خلافة علي عليه السلام
لا يخلو من تهافت وتناقض وقد بينا ذلك سابقاً فليراجع هناك
فعلى هذا يكون الشيخان على تقدير كونهما غاصبين لا يضر ذلك
علي عليه السلام ولا يقدح في إمامته وخلافته لأنه لم يدع
هذا الأمر لنفسه بل كان يقول إن الله اختار محمداً صلى الله عليه وآله
وسلم للنبوة واختار أبا بكر للخلافة وأنا راض بما رضي الله به
لنبيه وأبي بكر وأنا أسلم لما سلم الله له نبيه وأبو بكر
وأنا أعلم أن الله لم يختر لنبيه وأبي بكر إلا الأفضل
وأنا أعلم أن الله لم يختر لنبيه وأبي بكر إلا الأفضل
وأنا أعلم أن الله لم يختر لنبيه وأبي بكر إلا الأفضل

الله ولو تعلم ما تطوي الضمائر عليه فاستغفره الله واستغفر لهم ربهم
لتسدد المغفرة ما بينكما ولم أخطر ببالك ذنوبك عليه والسلام
اللهم وفقه لما تحبه وترضاه واجعل ما تقضي عليه من ذنوبه
وعيوبه الذي يهتم أنت أعلم بها مني ومنهم بها إليك يبتغي بذلك وجه
سؤلك عليه والسلام اللهم يحاجي ما أصابه فيه فإنك وليها
في الدنيا والآخرة وأنت المطلوب بإنجاز رسوله اطلبها فإنه
جواد ليس عليه حلال ليراني وقعة يأتي إلى أهله وتلقاه وقع ليغفر لي ولوالدي
واستغفر لي عليه يقضي إلى حاجتي فكن لي شفيعا عند ربك وقد
قدم لك الذي لو أن ذنوبه الشفيع أنت بالمحل وحللت وتملأ أهل
السماء الأخر والبسيطة بالمغفرة والرحمة لوسعتهم فلو رأى الطيب
الطاهر ما وجدت من الوجد بك فحقا سألوا الله عليه وأنه هو الجواد
الكريم وسألت الله وسألوا عليك السلام فغفر لي ولهم وتجاوز الله
الأجل اللازم لك الذي وقتك بوقتك وقت بين يديك وربحت بيعك
والله وفقك لما تحب وترضى وأنا بعد راض عنك وأنت إليك عما
أمرتني وما تأمليني فيه فالله أسرع الأعوان إلى ما تلتمس إلي منها
وهيئني منها أو عندك فإنك أجود الأجودين وأحق من يجود وهبني
مقام المرء الذليل يوم تشخص فيه الأبصار وتبدو فيه الأسرار وتفصل
وتوزن فيه الأعمال يوم الحسرة والندامة يوم الآزفة يوم الآخذة يوم
الطامة يوم الفصل يوم الجزاء يوم لا ريب فيه غير أن قوما الشهيد يوم
وجبت الأنبياء فيها الواحدة والشاهد يوم العرض يوم يقوم الناس
لرب العالمين يوم يفر المرء من أخيه وأمه وصاحبته وبنيه يوم
تظل الأرض وتكاد السماء يوم لا ترى كل نفس عما فيها ولم تر وتذهل

الله فيه فيجزيه بما طلع يوم لا يطيق موت عن موت ولا بعث عن بعث ولا هم عن هم
من يوم الله الذي هو الغريب الوضيع يوم يرد الله إلى الخلق مواليهم الحق ويوم يخرج
من الأجداث سراعا كأنهم إلى نصب يوفضون وهي يوم الحشر وهو منشر وهو عصيبان
إلى مزاج لهم يوم تبعثر القبور ويوم نفخ الأخرى فيها ويوم تكون الساعة كالمهل
تكون الجبال كالعهن ولا يسأل حميم حميما يوم الشاهد والمشهود ويوم الوعد
المعلوم يوم يسأل الأكرم الخلق عن مواقف في أيام الدنيا يوم وافق في ما يحب
فيه ويرضى وأيام خير فيه ما أحب على ما يحب وفعل بأيدي في تلك المواقع
أو أيام كنت فيها وفي أيام بعده مع أحد من الناس عشرتي وصحبتي
ومودتي وفي أخرى لهم مصدوق وبحبي لي وبحبي حتى أوجب
وتحبني به وفيهم وشيعة رجحت وفيهم به مرضي وتحبني فيهم أعاذه
من زيارته خاطبني في رضوانك وجاءت الله العلي الأعلى أن
يجزيك عني في بيت الوحدة من يكفي الحاجة التي يجزيك بها أن أفي
لي بالإمامة يطيب لي أن أظهر به بنيان في حسناتي وتراجع
بين يدي الحاجة التي إحيي بالأيام بالكتم العدو الغوي الغاشم
أن يبلغ من أن يكون في ذلك اليوم في خواص الأشرار خاصي أو في شيعة
الأنبياء مقامي وإذا بلغت بين يديك فمت كما يا لهما لهم وسرا إلى ما يحب
لبني وحبك في زيارة الحاجة وفي زيارة أولاد الحاجة بي حاجتك
بارك الله لي في ذلك وبارك عليك بما تقدم عليك بارك الله عليك أيها
ملك أيها السيد الشريف المقدم عليك أيها الرئيس المقدم عليك أيها
الطيب الزكي الطاهر أشهد أنك كنت نورا في الأصلاب
الشامخة والأرحام المطهرة لم تنجسك الجاهلية بأنجاسها ولم تلبسك من
مدلهمات ثيابها وأشهد أنك من دعائم الدين وأركان المؤمنين وبيارك

مکان عالم یکونین باشد و در وقتی که شروع بادا نماید عالم شهادت
عالم ارواح و وقت سیاه نماز ایمان و نماز فرشته تمام غریب دارالست هر یک وقت
اخلاص فاطمه که سرتن مطهر و سجود و بطن اوله و سجده ثانیه فاطمه
شرم و حیا داشته اند و احوط در هر کدام بین یدا و در خیانت هر چند
و سجده ثانیه باشد و اگر کسی علاوه کند نماز ایمان و اعلم بحقیقت
ادا نماید هر چند عامل بحق باشد باید ایمان را قضا کند و احوط آن که با
خوف قضا کند و هر کدام در سجده ثانیه سبابه نماز عالم نباشد نماز ایمان
مکروه کردن یا اصل فی عهده زیرا که قضا و ادا مطلقا خواه عالم باشد یا
عالم جاهل و خواه با هم و احوط در کونین با عاده است از قرین خوف قضا آن
نماز حیرت و ثبات بکل رعده و نماز سیاب بشاشه و ابشار ما بحیرت
سند دلم را شد و بنهاریدن سه بار و قوفات که تهدیت عدد و حلاوت
ثبات خرد و حبیب هوس بنظم کریش از نماز و تعوذ آن و ایمان
و هر یک سه دست از ایمان در نزد هر بیت و بیت القاء زین و ضاد و ذوده
هر یک از نماز و بیت و ایمان باشد و قت هر دو نماز هر چند و در بیت
هر آنش که نماز و بیت و ثبات حتم و ایمان و هر یک و قت هر دو نماز
حیرت شاید و بیت بکل و این دو نماز مستوات و هر یک و حدت و ایمان
که و قت مستوات دو و نفی بعد آورد و [illegible]
ایمان باشد نماز و بیت مساوی بیت هر چند که در نماز شرف است در
نماز نه ضرورات و مضرت که در نماز را بجا حیرت نماز ذات مستوات
که عاز کوف و خوف و بعد و نکاکوف و خوف خواند و هر یک
بجا نماز ایمان و نماز را اعاده نماید ذات [illegible] هر دو نماز های

خورشت که اخلاص یوطی و دو رکعت نماز اول و ثانی و ثالث و رسول خدمت
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که چرا نماز نماز حیرت و سوره
آورده که بگوئیات زیرا که اخرت مرجوع که نماز دو رکعت نماز و در کعتی است و سوره
حمد و سوره مرسلات و اول نماز و دین شروع بود کعتی بعد از حمد
سوره کوع و بعد از کوع رو بسجده اول و بعد از سجده اول بر خاسته دوم
بعد از دوم با زده سوره والمرسلات و بعد از آن نماز و بعد از آن تشهد و سلام
داده خلاف نکند و بعد از آن بسجده بیاید بکوید که نماز حیرت دو رکعت
کار و بعد طلب کن حاجت را بخود و بعد از سجده بیاید بخوان لا اله الا الله الحلیم الکریم
و ذات العرش العظیم لا اله الا الله العلی العظیم و سبحان الله رب السموات السبع
و رب الارضین السبع و ما بینهما و ما تحتهما و رب العرش العظیم و سلام علی المرسلین
و الحمد لله رب العالمین فقلت لک الحمد و لک الشکر و لک الملک لا شریک لک
و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و بعد از آن
بگوید اللهم انی اسئلک بمعانی جمیع ما یدعوک به محمد صلی الله علیه و آله و سلم
و اسئلک بمعانی جمیع ما یسئلک به محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اسئلک
بمعانی جمیع ما یسئلک به محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اسئلک بمعانی
جمیع ما یسئلک به محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اسئلک بمعانی جمیع
ما یسئلک به محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اسئلک بمعانی جمیع ما
یسئلک به محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اسئلک بمعانی جمیع ما یسئلک
به محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اسئلک بمعانی جمیع ما یسئلک به
محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اسئلک بمعانی جمیع ما یسئلک به محمد
صلی الله علیه و آله و سلم و اسئلک بمعانی جمیع ما یسئلک به محمد صلی
الله علیه و آله و سلم و اسئلک بمعانی جمیع ما یسئلک به محمد صلی الله
علیه و آله و سلم و اسئلک بمعانی جمیع ما یسئلک به محمد صلی الله علیه
و آله و سلم و اسئلک بمعانی جمیع ما یسئلک به محمد صلی الله علیه و آله
و سلم و اسئلک بمعانی جمیع ما یسئل

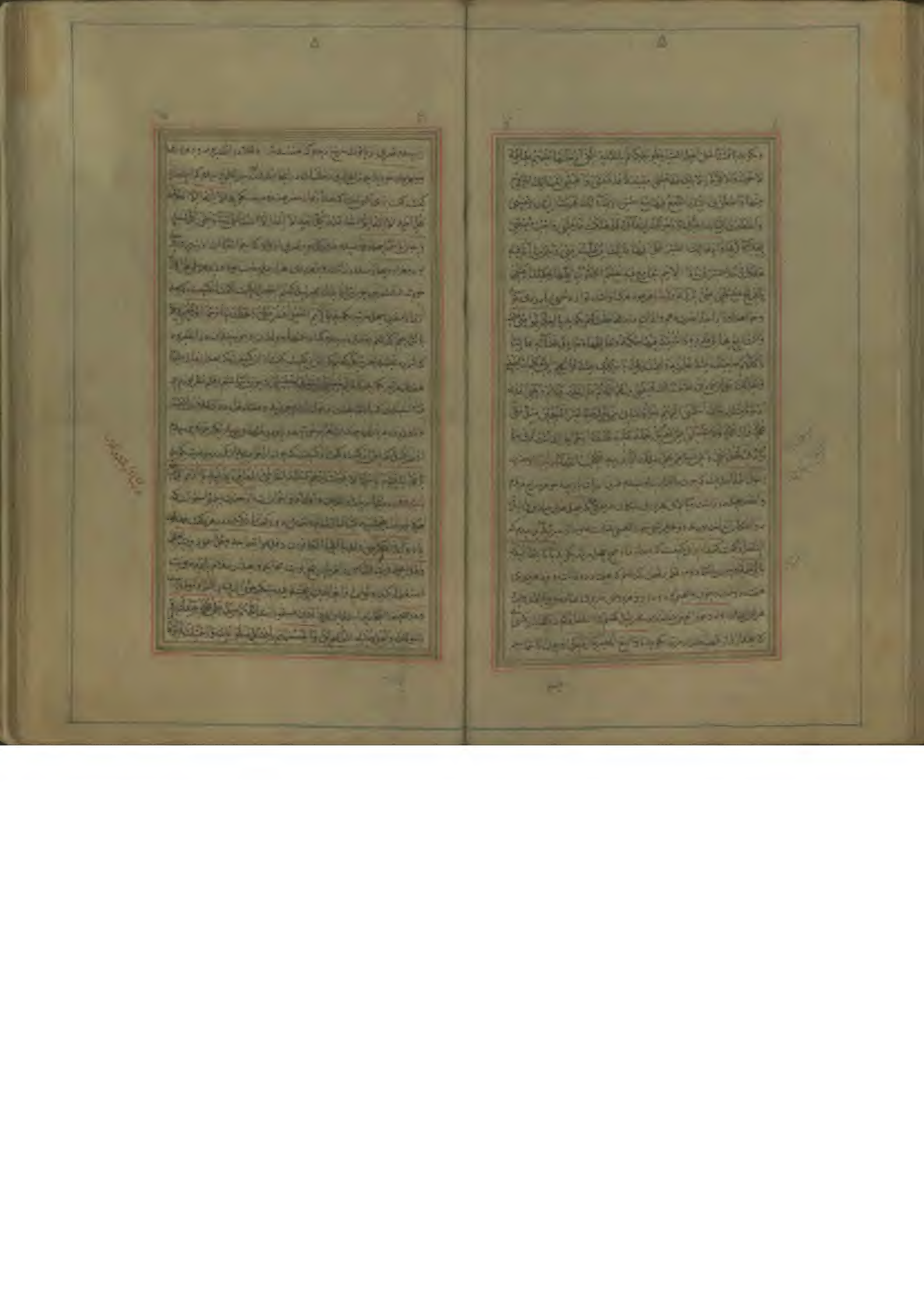

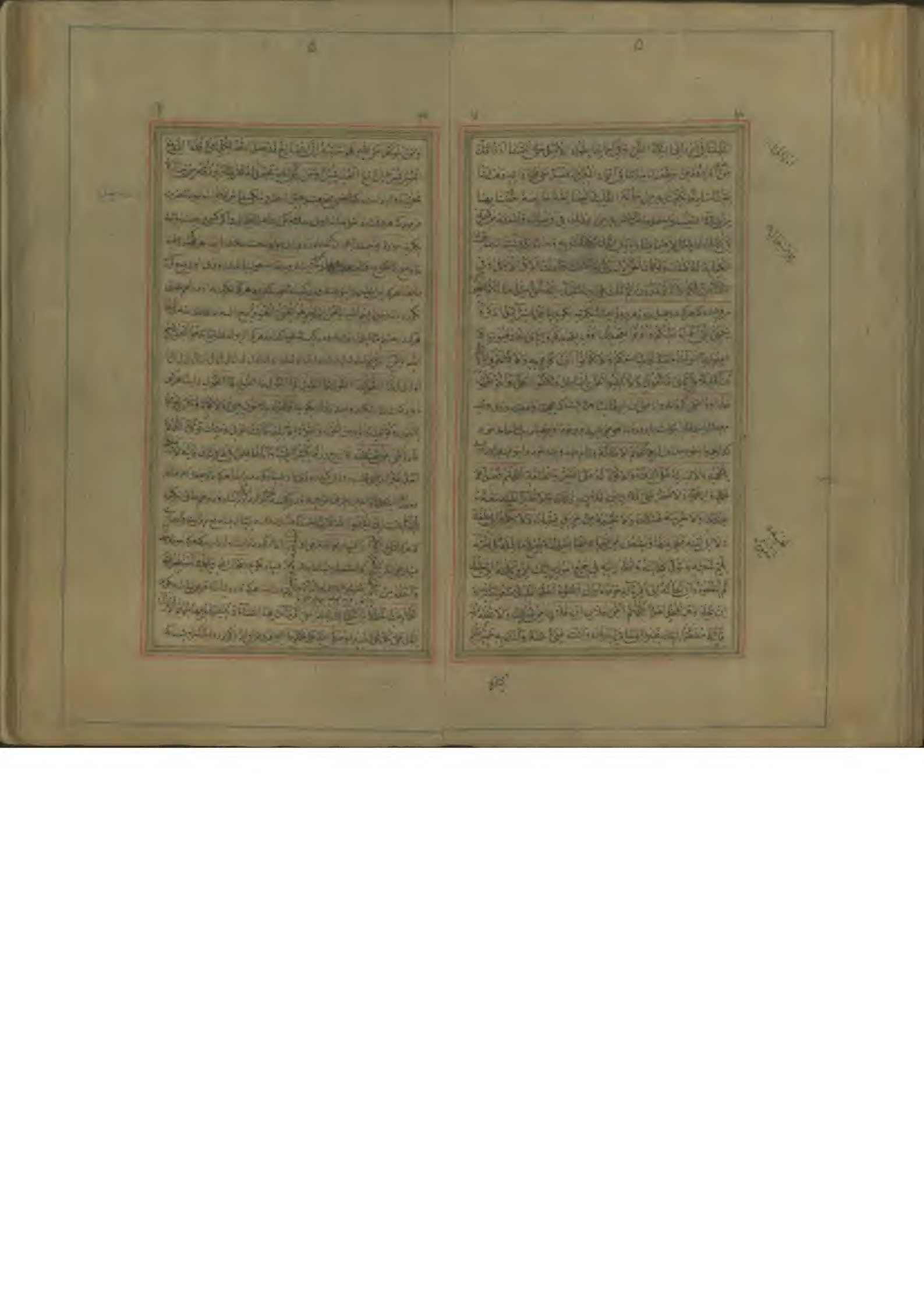

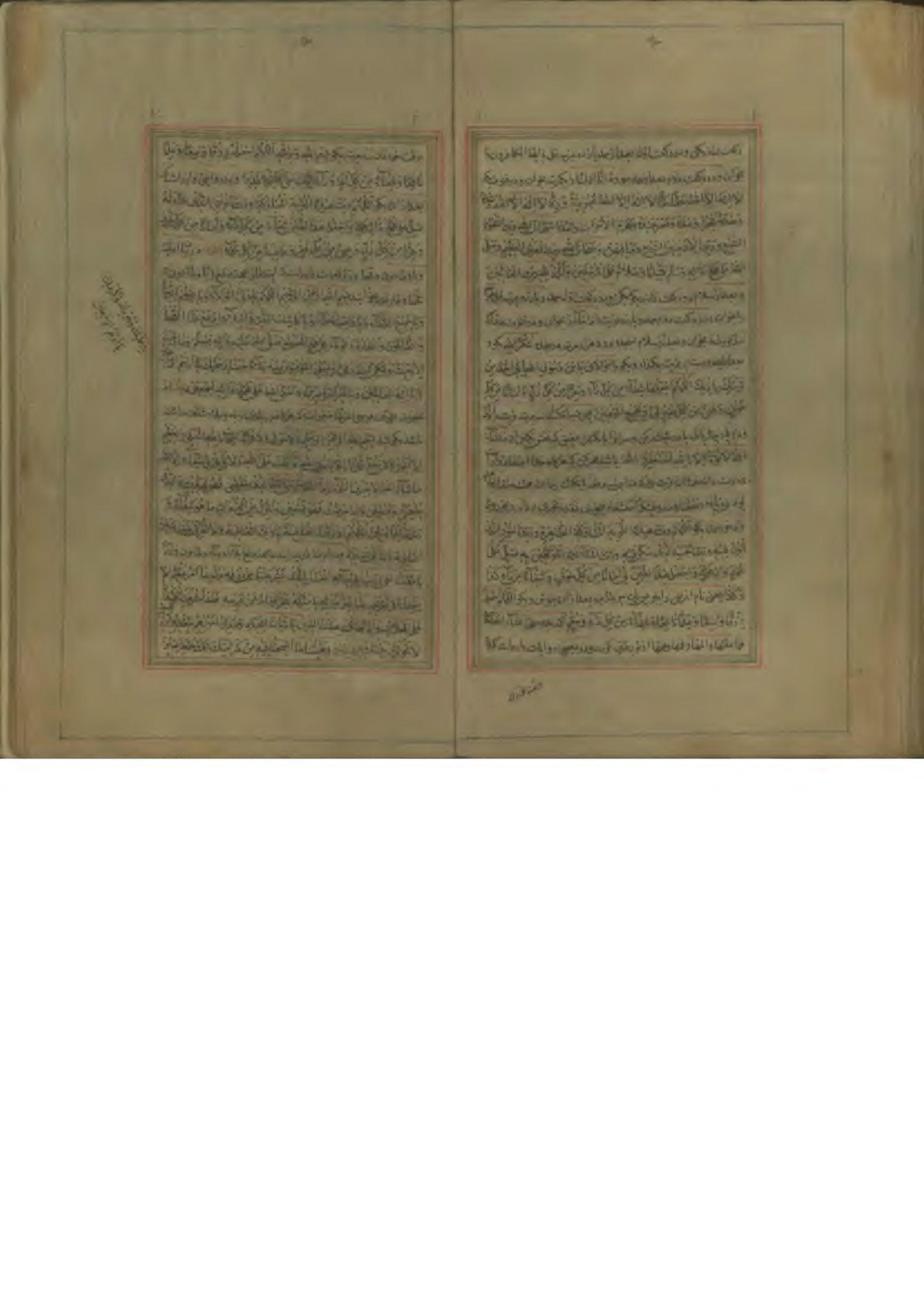

[illegible]

[illegible]

خاتمه

[illegible]

خاتمه

[illegible]

خاتمة

این کتاب معراج العابدین و منهاج العارفین
متعلق باینجانب سید ابوالقاسم خان میر مرعشی میباشد

تاریخ فوت مرحوم مغفور
آقای حاجی شاهمیرخان مرعشی
در یوم پنجشنبه شانزدهم شعبان
هزار و سیصد و شصت و
هفت قمری ۱۳۶۷
[illegible]

تاریخ فوت مرحوم حاجی احمد خان میر مرعشی
در یوم بیستم ربیع الاول سنه هزار و
سیصد و شصت و پنج قمری ۱۳۶۵
[illegible]
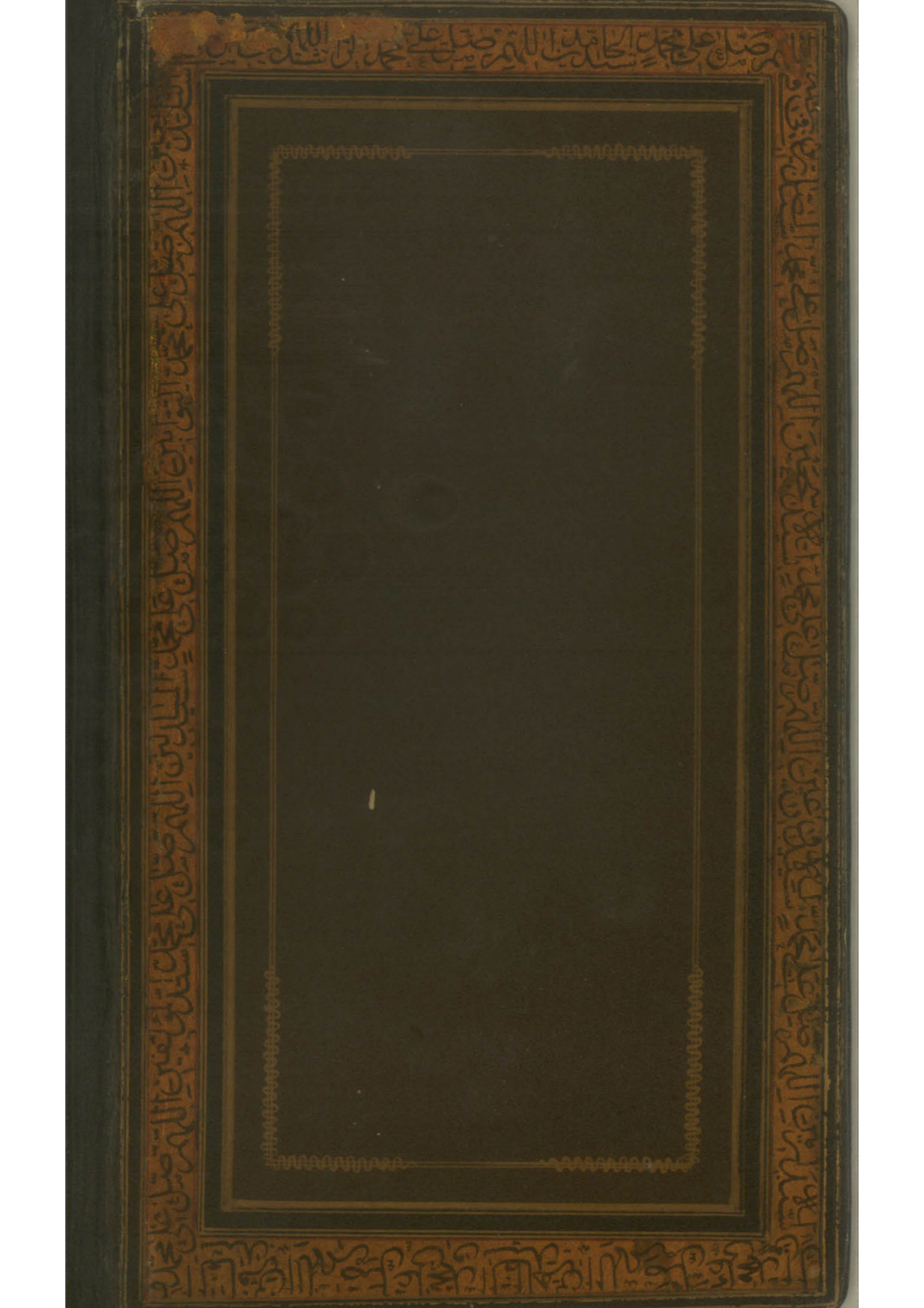
تاریخ فوت آقای میرزا اسدالله خان
سرتیپ لیله دوشنبه ۲۴ ربیع الاول
سنه ۱۳۷۶ قمری میباشد در طهران فوت نموده اند
مدت عمرشان ۹۵ سال بوده ۲۵ ربیع الاول
سنه ۱۳۷۶ مطابق هفتم آبانماه ۱۳۳۵ میباشد